

را بفرستند و انحصار هم پیدا نمیشود، بنده بیشتر از این توضیح نمی‌دهم و تمام مطالبی که عرض کردم قبل از بنده آقایانیکه با این عقیده موافق بودند گفته بودند بنده هم خواستم همینقدر یادآوری کرده باشم که از توابع محروم نامم.

مخبر - بنده باز هم توضیح می‌دهم که رفع اشتباه آقایان بشود ما میخواهیم از اول حمل آینده که ابتدای شروع با اجرای این قانون است کم کم ادارات کلا باین ترتیب نیفتند و شاید سالی ده نفر هم باین ترتیب استخدام نشوند بجهت اینکه الان ادارات ما پر است از اجزاء حتی در آخر این قانون هم نوشته ایم مادام که این اشخاص در ادارات هستند دیگری را نمی‌شود پذیرفت و اگر غیر از این می‌نوشتیم هر کس را می‌خواستند خارج می‌کردند و اینماده برای این است که اشخاصی که بعد از این قبول خدمت می‌نمایند بایستی دارای این مراتب باشند و طی مراتب نموده در هر رتبه لیاقت پیدا کرد و برترتبه بالاتر برسند و اگر لیاقت نداشت بهمان رتبه بماند و تا هروقت لیاقت پیدا کرد ترقی کند و این يك شالوده است برای آینده و مربوط به اجزاء فعلی نیست.

رئیس - پیشنهادی رسیده است فرائت می‌شود.

(پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله بشرح ذیل فرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم رأی در ماده ۲۳ بماند برای جلسه بعد.

(شیخ اسدالله)

(نمایندگان - صحیح است - مخالفی نیست)

مستشار السلطنه - کمسیون دوازده نفری برای رسیدگی بقانون معاکمه وزراء منتخبه از شمشب از شنبه اول آقایان سالار معظم و آقا میرزا ابراهیم فمی از شنبه دوم آقایان تدین سلیمان میرزا از شنبه سوم آقایان شیخ العراقرین زاده و امین الشریعه از شنبه چهارم آقایان مدرس و رکن الملک از شنبه پنجم آقایان نصره الدوله و طباطبائی از شنبه ششم آقایان ملک آرائی و آقا سید فاضل.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن (اجازه)

آقا میرزا سید حسن - بنده از مجلس سوآلی دارم بموجب اصل یازدهم قانون اساسی تماماً قسم یاد کرده ایم که مواد قانون اساسی را حفظ کنیم و بشب اینجایکیشنهادی شد که بنده هم امضاء کرده بودم از نقطه نظراینکه مالیات‌هایی که در قیاب مجلس شورای ملی معمول شده و گرفته می‌شود هروقت هم صحیح می‌شود وزراء می‌گویند ضرورت ایجاب می‌کند بنده عرض میکنم هیچ ضرورتی مهمتر از حفظ قانون اساسی

نیست و چند ماده در قانون اساسی نوشته شده که اگر بخوانم اسباب طول مجلس میشود وضع مالیات مخصوص مجلس شورای ملی است و به موجب همین قانون اگر چنانچه دیده شد قوانین نقض می‌شود باید از وزراء سوال کرد برای چه این قوانین نقض میشود و بنده از طرف وزارت مالیه کسی را نمی‌بینیم که سوال کنم که تا بحال چرا جلوگیری از این مالیات‌های غیر قانونی نکرده فرضاً اگر ضرورت ایجاد می‌کند چرا بمجلس پیشنهاد نمی‌کنند که صورت قانونی پیدا کند والا اینطور نمی‌شود که با چوب از مردم مالیات غیر قانونی بگیرند و ما هم ساکت باشیم و اسمش هم این باشد که ما قسم خورده ایم مواد قانون اساسی را حفظ کنیم.

بنده با کمال تاسف چون تا بحال مکرراً اظهار این مسئله شده است امشب تکرار می‌کنم اگر آقایان مطابق قانون اساسی قسم خورده‌اند این مالیات‌ها را کلیه لغو کنند و آنوقت اگر ضرورت ایجاب میکند پیشنهاد کنند.

(بعضی از نمایندگان - لغو است) بلی زبانی لغو است ولی باید از طرف مجلس بوزارت مالیه نوشته شود که تصریحاً لغو شده باشد.

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - هرايض بنده راجع به موضوع دیگری است لکن باز راجع بمالیه است و بشب اینجا کاغذی خوانده شد تقریباً موضوع آن سیصد هزار تومان بود راجع به محاسبات مسبو مولیر و از طرف مجلس هیچ اهمیتی باو گذاشته نشد مجلس ساکت شد حالا بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافق باشند حالا مطرح شود و تکلیفش معین شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این مسئله که آقای مساوات تقاضا دارند مطرح شود به عنوان است چون هر مسئله که بمجلس میاید مطابق نظامنامه ترتیبی دارد.

لايحه قانونی است؟ سوال از وزیر است؟

اگر راجع به هرايض است که هرايض هم کمسیون مخصوصی دارد نظر بعضی از آقایان این بود که این هریضه در مجلس خوانده شود که همه مسبوق شوند ولی باید عرض کنم که مجلس چهارم غیر از مجلس اول است که تمام مسائل در مجلس در هم و بر هم صحبت شود.

در این دوره برای امری کمسیون مخصوصی ترتیب داده شده و مسائل باید بدو به کمسیون‌های مربوط خودش رفته و در آنجا طرح و صحبت شود و بعد بعنوان

طرح قانونی یا صورت دیگری به مجلس بیاید و بنده غیر از این ترتیب شکایت دیگر را قائل نیستم.

حائری زاده - چه طور مسئله قالی جوهری در مجلس مطرح شد.

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - وقتی در مجلس چیزی فرائت می‌شود هر يك ازو کلام می‌توانند پیشنهاد کنند مطرح شود و این هم يك مسئله کوچکی نبود که باین زودی ختم شود و باید بمجلس کمسیون تعیین کنند و باین امر رسیدگی کنند به بیند این حرفها حق است یا باطل اگر حق است باید احقاق حق دولت بشود و اگر باطل است باین چیزهایی که درباره اشخاص گفته می‌شود خاتمه داده شود.

رئیس - جلسه آتیه فردا دو ساعت بفرود مانده.

آقا میرزا سید حسن کاشانی - فردا رحلت است

رئیس - دستور بقید مذاکرات در شوردوم قانون استخدام است

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس - مؤمن الملك جلسه ۱۶۱

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۱۲ ربیع الاول سنه ۱۳۴۱ مطابق ۱۰ عقرب ۱۳۰۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از فرورب بریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید

رئیس - صورت جلسه دیروز هنوز حاضر نشده است در جلسه آینده فرائت می‌شود

ماده ۲۴ قانون استخدام که مطرح و بقیه مذاکراتش مانده بود برای امروز مطرح است

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده با این ماده کاملاً موافقم ولی دیروز ابتداء آقای داوود بعد آقای نصرت الدوله در خصوص این ماده مذاکراتی فرمودند و بنده باندازه که مستحضر هستم در حقیقت باندازه اطلاعات و بحسب ادراکات خودم در این ماده میخواهم هرايض خود را بعرض آقایان برسانم

اولا بنده بامتیازات فضلی کاملاً عقیده مندم و منکر امتیازات هم نیستم و مسئله امتیاز فضلی در تمام ملل معمول است مطابق ولاتنسوالفضل بینکم و هل یستولونین یعلمون والذین لایعلمون این مسئله مسلم است که امتیاز فضلی در همه جا هست و بنده هم کاملاً بآن قائلم با این حال عرض می‌کنم مطابق حالات و مقتضیات مملکت و اداره شدن ادارات ما باید مطابق این

ماده رفتار شود چرا؟ برای اینکه علم بر دو قسم است يك علمی است که متعلق بعمل است و يك علمی که متعلق بعمل ندارد یعنی نظری و مافوق طبیعت است و حالا بآن کار ندارم اما علمی که متعلق بعمل است علمی است که باید عمل از او ناشی شود و مطلوب از آن علم نفس عمل است

نه این که آن علم فی حد ذاته مطلوبیتی داشته باشد مثلاً از علم خیاطی مطلوب کار خیاطی است نه شخص خیاط همین طور هر صنعت و هر حرفه مطلوب از آن علم نفس عمل است

بلی کسانیکه رفته اند در خارج زحمت کشیده تحصیلاتی کرده اند مثلاً تصدیق دکتری علم حقوق را هم گرفته اند ولی دکتری در علم حقوق چه ربط بعمل من دارد چه ربطی دارد باینکه دولت با ملت خودش موافق این قانون استخدام ترتیبی قرار می‌دهد؟

دولت بموجب این قانون استخدام می‌گوید کسی که می‌خواهد داخل در خدمت من بشود باید شرایط مندرجه در این قانون را دارا باشد

مثلاً در بدو ورود باید تصدیق نامه کلاس سوم متوسطه را دارا باشد یا موادی را که برای نه ساله تحصیلات متوسطه معین شده است امتحان بدهد.

حالا می‌فرمائید مثلاً شخص دکتر در علم حقوق است چون تحصیلاتش زیاد است باید از درجه سوم یا چهارم استخدام داخل در اداره شود در صورتی که این طور نیست زیرا دولت در اینجا کار بد کتر علم حقوق ندارد اگر دکتر حقوق بخواهد با يك شرایط مخصوصی استخدام خواهد نمود

البته هر کس تحصیلاتش بیشتر است مقاماتش بجای خود باقی است ولی دولت می‌گوید شرایط استخدام من اینست که سه سال متوسطه را طی کرده باشد فلان شرایط را دارا باغد.

يك مسئله دیگر مخصوصاً به آقای داوود که حقیقتاً ایشان جزو فقرا می‌باشند عرض میکنم این مسئله که دیروز بیان فرمودند برای موقعی است که شاگردانی که به اروپا فرستاده می‌شود از اولاد فقرا و از تمام طبقات ثلث که اولاد اغنیاء هم جزو آنها باشد و آن شاگردان تصدیق نامه گرفته و بر گشته اند باشند نه برای حالا با این وضع مملکت که يك عده امیان و اشراف که همیشه مصدر امر بوده اند و اولاد های خود را به اروپا فرستاده اند حالا هم بگوئیم اولادهای آنها يك مرتبه در درجه سوم یا چهارم داخل در ادارات شوند ما باید کار رانسبت به عموم اهالی مملکت

در نظر بگیریم اگر بنا باشد دیپلم داشتن را یک امتیاز قرار دهیم باید سالهای سال اولاد فقرا و طبقه سوم و چهارم بکلی محروم بمانند چه؟

برای آنکه نتوانستند اطلاع خود خود را با رویا بفرستند که دیپلم بگیرند بلی هر وقت وزارت معارف شاگردانی از تمام طبقات برای تحصیل با رویا اعزام داشت و آنها دیپلم گرفته و بر گشتند و در حقیقت اولاد فقرا هم صاحب دیپلم شده اند آنوقت این فرمایش آقای داور بجا است

ولی حالا که در تمام مملکت ما چند نفری آنهم از اولاد اشراف بیشتر دیپلم ندارند.

این ماده بهمین وضعی که کمیسیون پیشنهاد کرده خیلی خوب و بوقع است و اگر قصد شما این است که اولاد اشراف و اعیان را بالا ببرند در صورتی که خدا آنها را بالا برده است دیگر لزومی ندارد که شما آنها را بالا ببرید و این مسئله خلاف عدالت است و بنده با آن مخالفم

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین بنده مخالفم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان بنده هم مخالفم

رئیس آقای مساوات

مساوات بنده موافقم به آقای آقا سید یعقوب

ولی آقایان مخالفین بایستی صحبت کنند.

رئیس آقای تدین (اجازه)

تدین آقای آقا سید یعقوب در همین آن که بامتیاز فاضلی معتقد بودند نسبت بیک مقاماتی منکر شدند بدهی است هر قدر اعضاء ادارات عالم باشند بانجام وظایف شان بهتر موفق خواهند شد

بعلاوه در امتیاز فاضلی نباید هیچ تفاوت بین حقیر و غنی گذاشت امتیازی را که نباید منکر شد این است که فلان پسر اعیان بگوید از نقطه نظر آنکه من پسر فلان شخص یا انتساب فلان اعیان دارم باید فلان امتیاز را دارا باشم و این را برای خودش فضیلت و امتیاز قرار بدهد این را باید منکر شد و امتیازات فاضلی هر کس دارا باشد باید تصدیق کرد آیا انصاف است که یک نفر سه کلاس مدرسه متوسطه را طی کرده باشد با شخصی که علاوه برشش کلاس متوسطه چهار پنج کلاس عالی را هم طی کرده است در مقابل هم قرار بدهیم این مسئله بهیچ وجه عادلانه نیست در این قبیل امتیازات فاضلی بین فقیر

و غنی و هیچ یک از طبقات نباید فرق گذاشت البته آنکه تحصیلانش بیشتر و فضیلتش بالاتر است باید مقدم باشد البته وقتی که کسی علاوه بر امتحان سه ساله متوسطه که برای دخول در ادارات لازم است و علاوه بر امتحان معلومات داخلی اداره یک معلومات فوق - الماده تری را دارا بود باید آن معلوماتش منظور شود مثلا اگر مستخدمی بتواند از ابتدای امر از عهده منشی اولی بر آید چرا با بگوید تو باید از نباتی شروع کنی دوسال در نباتی دوسال در منشی دومی بدانی بعد منشی اول بشوی که اگر میفرمائید برای این است که عملی بشود عملی شدن چه قسم است؟ چنانچه در عدهای هم رسم است وقتی که خواستند قاضی را امتحان کنند امتحان قاضی کوی چیست؟ این است که یک دوسه را با او می دهند و می گویند حکم را از این دوسه استخراج کن اگر توانست حکم صحیح را استخراج کند مقام قاضی گری را با او می دهند اگر نتوانست او را رد می کنند در این جا بنده عقیده ام این است کسی که معلوماتش باندازه ایست که علاوه بر کلاس سوم متوسطه چند کلاس علمی را هم طی کرده و در حقیقت می تواند از عهده منشی اولی بر آید باید او را امتحان اداری بکند و اگر توانست از عهده بر آید دودرجه ۳ درجه ابتدائی را برای او حذف کرد و یک مرتبه آن شخص بدرجه سوم یا چهارم داخل شود و اگر غیر از این باشد در همین آنکه ما قائل بامتیاز فاضلی هستیم منکر امتیاز فاضلی شده ایم و البته اشخاصی که تحصیلات متوسطه آنها تمام شده است باید فرق داشته باشند با اشخاصی که ۳ کلاس متوسطه را طی کرده اند و اشخاصی که تحصیلات عالی را طی کرده اند و تصدیق نامه رسمی دارند باید فرق داشته باشند با اشخاصی که فقط معلومات متوسطه را دارا هستند.

مخبر - ابتدا از عموم آقایان تقاضا می کنم که اگر در نطق بنده قصور یا نندی شد عفو فرمائید. زیرا بنده هیچ غرضی ندارم جز بیان مطلب حالا اگر در ضمن بیان مطلب تند شدم آقایان عفو فرمائید این مسئله را برای آتیه و گذشته و حال عرض کردم این که آقایان می فرمایند از نقطه نظر امتیاز فاضلی بدون طی دو یا سه درجه یک مرتبه به درجه سوم یا چهارم بروند برای این مسئله یک شلی از نظام بینم مثلا کسی خیلی فاضل و عالم و تحصیلاتش خیلی زیاد است و دیگری خوب است ولی با شرایط ابراز درجات علمی و اخلاقی و تمیز دادن مرجهات فاضلی این مطلب هیچ اشکالی ندارد و بیچیده هم نیست آقای مخبر در ضمن این که از رأی کمیسیون دفاع می فرمایند یک قسمت از قانون پیشنهادی خودشان را فراموش فرموده اند و این مسئله شاید از این نقطه نظر باشد که به مقصود آقایان پیشنهاد کنندگان کاملا بی نبرده باشند این موضوع که ابتدا از طرف آقای داور مطرح شد از

این نقطه نظر بود که بموجب یکی از مواد این قانون از اول حمل سه آتیه بوقع عمل خواهد آمد و حاکم بر گذشته و حال نمی داند و امری که صادر می کنند نمی داند چیست؟ فرق نمی کند اگر آهنگر هم بخواهد استاد شود باید درجات پائین را طی کرده تا باستانی برسد منتهی اگر زیر کترو با فضلتر است زودتر استاد میشود والا بهمان شاگردی می ماند همین طور ادارات اگر کسی مقام نباتی و منشی سوم و منشی دومی و اولی را طی نکرده باشد و یک مرتبه رئیس شعبه باشد چون از مقامات زیر دست مطلع نیست نمی داند او امری که برای آنها صادر می کنند باید به چه شکل باشد؟ البته باید اعضاء از درجه اول شروع کنند منتهی اگر فاضل تر و باهوش تر نیز زودتر ترقی می کنند والا بهمان درجه باقی می ماند و ترقی می شود مستخدم کسی که معلوماتش بیشتر است بدون طی مقامات پائین تر یک مرتبه بدرجات بالاتر برود زیرا این مسئله تولید اشکال می کند بعد از این همان طور که ما باید کارهایمان کارخانه ای باشد اعضاء ادارات مان هم باید کارخانه ای باشند والا اگر بنا باشد کسی که دو کلاس مدرسه عالی را طی کرده است بدون طی ۳ درجه پائین تر بدرجه چهارم داخل شود دیگری که چهار کلاس مدرسه عالی را طی کرده می گوید من باید بدون طی مراتب پائین بدرجه پنجم داخل شوم زیرا آنکه در درجه چهارم است معلوماتش از من کمتر است و این مسئله تولید هرج و مرج می کند و بهتر همان است که چه دیپلم داشته باشد چه نداشته باشد وقتی شروط مندرجه در قانون را دارا شدند از نباتی داخل شوند منتهی اگر با فضل تر نیز زودتر ترقی می کنند و این مسئله بهیچ وجه مخالف بامتیاز فاضلی هم نیست.

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - این ماده در ابتدا خیلی بنظر ساده می آید ولی کم کم مورد اشکال شده است چنانچه آقای آقا سید یعقوب از مذاکراتی که در اطراف این ماده می شود استفاده نموده مجلس و مردمان دور از مجلس را بیک عدم مساواتی دعوت می کنند زیرا مساوی کردن اشخاص بی فضل و اشخاص فاضل را با یکدیگر خودش عدم مساوات بین است. بلی مساوات خیلی خوب است ولی با شرایط ابراز درجات علمی و اخلاقی و تمیز دادن مرجهات فاضلی این مطلب هیچ اشکالی ندارد و بیچیده هم نیست آقای مخبر در ضمن این که از رأی کمیسیون دفاع می فرمایند یک قسمت از قانون پیشنهادی خودشان را فراموش فرموده اند و این مسئله شاید از این نقطه نظر باشد که به مقصود آقایان پیشنهاد کنندگان کاملا بی نبرده باشند این موضوع که ابتدا از طرف آقای داور مطرح شد از

کارهای اداری یکسال مجانی خدمت کنند البته تصدیق خواهید فرمود کسی که معلومات علمی او زیاد باشد و دیپلم داشته باشد در ظرف این یک سال معلومات اداری را بقدری که بتواند در درجه سوم یا چهارم داخل شود خواهد آموخت و بعقیده بنده در ظرف این ده سال اگر ما این استثناء را قائل شویم تا این بی رویه گی هالاز بین برود بهتر خواهد بود علاوه آقای مخبر و آقای سهام السلطان که آنقدر دیشب اصرار داشتند که برای ترفیع رتبه کفایت و لیاقت شرط است بنده هر چه فکرمی کنم در این قانون چیزی که مصدق قول آقایان باشد نمی بینم بنده ماده ۲۳ را می خوانم ملاحظه فرمائید در ماده ۲۳ می نویسد: بدون طی مرتبه مادون بر مرتبه مافوق نمی توان ارتقاء یافت و مستخدمین که از عهده انجام خدمات معوله کامل بر آمده و مقررات نظامنامه های اداری را رعایت کرده باشند مستحق ترفیع رتبه خواهند بود مشروط بر اینکه در هر یک از مراتب اول و دوم و سوم و چهارم در ماده ۱۵ لا اقل دوسال و در هر یک از سایر مراتب لا اقل سه سال خدمت کرده باشند باید دید کسار های معوله بقیات چیست؟ فقط ثبت کردن است مقررات نظامنامه هم این است که در فلان ساعت با درجه و بیاید در فلان ساعت بروند در اینجا هیچ درجه بودندا اشخاصی که عملشان بیشتر است و بیک ترتیبی تری از رتبه لیاقت می کنند مدت خدمت در هر درجه برای آنها یکسال باشد و آنهایی که بیشتر از رتبه لیاقت می کنند مدت خدمت در هر درجه ۶ ماه برای آنها معین میشد ممکن بود بگوئیم مراتب لیاقت منظور شده است ولی اینجا می نویسد حتما دوسال در درجه اول و دوم و سوم و چهارم سه سال در سایر درجات باید بمانند و بدون طی مرتبه مادون هم بر مرتبه مافوق نمی رسند با این ترتیب هیچ لیاقت منظور نشده است آقای مخبر بنده فکر می کنم هیچ تناسبی بین این قانون و نظام نمی بینم زیرا اشخاصی که می خواهند صاحب منصب بشوند از ابتدا داخل مدرسه صاحب منصبی می شوند وقتی هم که از آن مدرسه بیرون آمدند از درجات پائین صاحب منصبی شروع می کنند و بالا میروند دیگر تا بین نمی شوند حال شما نباتی را هم صاحب منصبی حساب می کنید؟ بنده کاملا با این قانون موافقم و این ماده را هم خیلی خوب می دانم ولی ما قانون را برای این مملکت می نویسیم بلی اگر در یکی از ممالک خارجه بود که وضعیت ادارات نشان صحیح بود خیلی خیلی خوب بود ولی در این مملکت با این وضعیت ادارات تصور نمی کنم این ماده عملی باشد شما همیشه در موقع قانون

گذار می فرمودید باید قانون را موافق وضعیت مملکت نوشت ولی این دفعه قضیه بعکس شده است این قانون برای ممالکی است که وزارتخانه و ادارات نشان صحیح و منظم و قریب چند سال است در آنها قانون استخدام مجری بوده است و حالا آن را ترجمه کرده آورده اند اینجا با این وضعیت ادارات تصور نمی کنم این قانون در اینجا جمع بشود البته باید رعایت مقتضیات وقت رویه گی هالاز بین برود بهتر خواهد بود علاوه آقای مخبر و آقای سهام السلطان که آنقدر دیشب اصرار داشتند که برای ترفیع رتبه کفایت و لیاقت شرط است بنده هر چه فکرمی کنم در این قانون چیزی که مصدق قول آقایان باشد نمی بینم بنده ماده ۲۳ را می خوانم ملاحظه فرمائید در ماده ۲۳ می نویسد: بدون طی مرتبه مادون بر مرتبه مافوق نمی توان ارتقاء یافت و مستخدمین که از عهده انجام خدمات معوله کامل بر آمده و مقررات نظامنامه های اداری را رعایت کرده باشند مستحق ترفیع رتبه خواهند بود مشروط بر اینکه در هر یک از مراتب اول و دوم و سوم و چهارم در ماده ۱۵ لا اقل دوسال و در هر یک از سایر مراتب لا اقل سه سال خدمت کرده باشند باید دید کسار های معوله بقیات چیست؟ فقط ثبت کردن است مقررات نظامنامه هم این است که در فلان ساعت با درجه و بیاید در فلان ساعت بروند در اینجا هیچ درجه بودندا اشخاصی که عملشان بیشتر است و بیک ترتیبی تری از رتبه لیاقت می کنند مدت خدمت در هر درجه برای آنها یکسال باشد و آنهایی که بیشتر از رتبه لیاقت می کنند مدت خدمت در هر درجه ۶ ماه برای آنها معین میشد ممکن بود بگوئیم مراتب لیاقت منظور شده است ولی اینجا می نویسد حتما دوسال در درجه اول و دوم و سوم و چهارم سه سال در سایر درجات باید بمانند و بدون طی مرتبه مادون هم بر مرتبه مافوق نمی رسند با این ترتیب هیچ لیاقت منظور نشده است آقای مخبر بنده فکر می کنم هیچ تناسبی بین این قانون و نظام نمی بینم زیرا اشخاصی که می خواهند صاحب منصب بشوند از ابتدا داخل مدرسه صاحب منصبی می شوند وقتی هم که از آن مدرسه بیرون آمدند از درجات پائین صاحب منصبی شروع می کنند و بالا میروند دیگر تا بین نمی شوند حال شما نباتی را هم صاحب منصبی حساب می کنید؟ بنده کاملا با این قانون موافقم و این ماده را هم خیلی خوب می دانم ولی ما قانون را برای این مملکت می نویسیم بلی اگر در یکی از ممالک خارجه بود که وضعیت ادارات نشان صحیح بود خیلی خیلی خوب بود ولی در این مملکت با این وضعیت ادارات تصور نمی کنم این ماده عملی باشد شما همیشه در موقع قانون

تصدیق نامه ۶ ساله مدرسه سیاسی یا مدرسه حقوق قرار می دهد آنوقت اگر آن شخصی که می خواهد داخل استخدام وزارت خارجه بشود این معلومات را هم باید بدیمنی علاوه بر شرایط فوق تصدیق نامه مدرسه حقوق یا مدرسه سیاسی را هم باید بدیمنی سابقه را هم منظور داشتند یعنی این قسم اشخاص حاضر شدند با داشتن معلومات داخل در وزارت خارجه بشوند و بعد از میان این ده نفر کاندیدا بطور مسابقه دو نفر آنها پذیرفته شدند و این دو نفر علاوه بر دیپلم و شرایط مذکور چند کلاس مدرسه عالی را هم طی نموده باشند آنوقت باید از درجه نباتی شروع کنند و درجه بعدی بالا بروند حقیقتا این مسئله ظلم است و با این وضع ادارات استدعای کنم که کمیسیون هم برای مدت ده سال این رجحان را قائل شوند و بعد از ده سال دو مرتبه بحال اول بر گردید یعنی هر کس با داشتن هر قسم دیپلم هم از درجه نباتی شروع کرده درجه بدرجه بالا برود زیرا الان در ادارات اشخاصی هستند رئیس شعبه یا رئیس دائره اند در صورتی که سه کلاس متوسطه را هم طی نکرده اند و شاید کاغذ هم دوست نمی توانند بنویسند زیرا غالب این اشخاص بواسطه هوا خواهی و دوستی فلان وزیر یا فلان رئیس الوزراه بروی کار آمده اند بدون اینکه هیچ زحمتی کشیده باشند و حقیقتا درواز انصاف است که اشخاص دیپلمه راه سه سال زیر دست این اشخاص قرار داد در صورتی که در بدو ورود در اداره هم یک سال مدت استاز معین شده است و در ظرف این مدت اشخاصی که معلوماتشان کافی است بخوبی می توانند معاونات درجه اول و دوم را درک کنند که یکمرتبه از درجه سوم یا چهارم شروع نمایند.

مخبر - شاهزاده نصرت الدوله با مقصود آقای داور را ملتفت نشدند یا خواستند مطلب را بن مشبه کنند. آقای داور در این ماده پیشنهاد کرده اند در صورتی که اجرای این ماده هم برای بعد از حمل است و دائمی است و برای اشخاصی است که بعد از استخدام می شوند اگر در اینجا قید کنیم اشخاصی که ۶ کلاس متوسطه را طی کرده اند یا چند کلاس علمی را هم طی کرده اند آنها را بیرون طی درجات مادون بدرجات مافوق تری قبول کنیم این مسئله دائمی می شود اگر قصد آقایان بستن مستخدمین فعلی است در مواردیکه راجع به مستخدمین فعلی نوشته شده قید کنید که یکمرتبه همه را بیرون کنند و همه را امتحان کنند یا اینکه اشخاص دیپلمه بدون طی درجات مادون مافوق تمام اعضاء فعلی واقع شوند بلی راجع به مستخدمین فعلی ادارات بنده هم عرض می کنم غالب مستخدمین فعلی ادارات اشخاصی هستند که نه سواد دارند نه امتحان شده اند و از کوچ

آمده اند یکمرتبه حاکم فلان جا یا رئیس فلان ادارا شده اند اینها صحیح است و در تمام ادارات این قسم اشخاص هستند بنده راجع به بودی که برای مستخدمین فعلی ممکن است در آن مواد بنویسیم که اشخاصی که مدارس عالی را طی کرده اند مدت ده سال هم کم است تا ۲۰ سال دیگر بر آنها مقدم باشند ولی این مسئله مربوط باین ماده نیست. این ماده راجع با اشخاصی است که بعد از داخل خدمات دولتی می شوند و راجع به بودی که برای مستخدمین فعلی نوشته شده هر اصلاحی رایشهاد کنند بنده هم می پذیرم ولی این مسئله مربوط باینجا نیست.

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)

(یک فقره پیشنهاد آقای داور و آقای تدین بشرح ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده ۲۲ اضافه شود

برای اشخاصی که از مدارس عالی خارجه دیپلم دارند طی ۴ رتبه اول ماده ۱۵ و برای اشخاصی که از مدارس عالی ایران دیپلم دارند طی ۳ رتبه اول ماده ۱۵ ضروری نیست

علی اکبر داور - سید محمد تدین رئیس - آقای داور اجازه

آقای میرزا علی اکبر خان داور - بعد از مذاکرات خیلی جامع و روغنی که شاهزاده نصرت الدوله در روز و امروز بیان فرمودند اگر بنده خیلی زیاد حلقه مندرجه قبول پیشنهاد خود نبود دیگر هیچ صحبت نمی کردم ولی پیشنهادی را که بنده در پروز تقدیم داشتم برای آتیه و ترقی این مملکت و برای اینکه حسن جریان اداره در این مملکت به معنی تام اجرا شود بقدری لازم می دانم که باز وقت آقایان را می گیرم و تا موقعی که می توانم از پیشنهاد خود دفاع می کنم ترقی که برای ادارات خودتان می خواهم

مدرس - باین قسم تنزل برای ادارات می خواهم

داور - تأمل فرمائید عرایض بنده که تمام هدایا دلالی که دارید جواب بنده را بفرمائید مطابق اطلاعاتی که ما داریم باید تصدیق کنیم که وضعیت و شکل ادارات و اسامی که برای آنها قرار داده ایم از اختراعات ما نیست و از ممالک خارجه اتخاذ کرده ایم و در ممالک خارجه پس از سال ها زحمت و تجربه امور اجتهامی آمده اند برای حسن امورداری یک اصولی را اتخاذ کرده اند. نهایتا تصور کرده باشند که تشکیل اداره برای این است که تمام افراد مملکت هر کدام بیک وسیله بتوانند در آن داخل شده و اهات کنند خیر نقطه نظر

اصلی و اساسی این بوده است که دولت یک وظایفی دارد و برای انجام آن وظایف اشخاصی را جمع میکنند و تقسیم میکنند در معوضه ها و اطاعتها و پشت میزها و آن وظایف را بآن معوضه ها تقسیم می کنند و برای هر کدام از آن معوضه ها اسمی می گذارند و او را شمش و اداراتی تشکیل می دهند و برای هر یک وظایفی معین می کنند نه اینکه بشرط حتمی استخدام را مثلا وطن پرستی قرار دهند. شرط اصلی و اساسی استخدام این است که شخص مستخدم از عهده انجام وظایف معوله اش بر آید تمام آقاییان هم در دوره زندگانی خودشان رعایت این مسئله را می کنند مثلا اگر خدای نخواستہ برای یکی از آقاییان سگسالتی دست بدهد البته اگر طبیبی در درجه سوم یا چهارم باشد و او اینکه هر قدر هم شخص خوبی باشد او را انتصاب نمی کنند می گردند کسی را انتصاب می کنند که خوب بتواند از عهده کار معالجه بر آید آن مالکسی را که عرض کردم ما وضع و رویه اداراتمان را از وضع ادارات آن جا اتغاذ کرده ایم چنانچه ملاحظه می فرمایند می خواهیم از آن مالک مستشار بیابیم و بتوسط آن مستشارها چرخهای اداراتمان را بگردش بیندازیم در آن مالک راجع به تعصبات مستخدمین یک شرایطی را در نظر گرفته اند مثلا برای بعضی کارها تعصبات ابتدائی و برای بعضی کارها تعصبات متوسطه و برای بعضی کارها تعصبات عالیه را شرط قرار داده اند مثلا شخصی که دبیر مدرسه حقوق را گرفته است باو نمی گویند ابتدا باید ثبات بعد منشی و بعد معمر و بالاخره درجه بدرجه بالا بروی تا فاضلی شوی خیر اینطور نیست در یکی از مالک اروپا پیوسته سعی می کردند که در اداراتشان اشخاصی ادیب که درجه ادیبانشان زیاد است امتحان کرده و بطور مسابقه در اداراتشان جمع کنند و تمام اداراتشان ملو بود از اشخاصی که تعصبات قدیمه و ادبیات را دارا بودند تا اینکه در یکی از جنگها شکست فاشی خورده و امیرالبحر لشکر مخالف دریکی از کافلهای خودش مخصوصاً بر ساسی آن مملکت می نویسد که بدبختی شما از حیث یک فرد معینی نیست از حیث طرز جربان امور ادارات شما است حالا حال ما هم همانطور است وقتی می توانیم خودمان را نجات دهیم که مردم ملکتمان را تشویق کنیم که مثل ملل مغرب علوم جدید را دارا شوند وقتی که داخل در ادارات می شوند تعصباتشان فقط تعصبات قدیمه و ادبیات نباشد این مدارس که امروزه مادر ایران داریم تمامشان تقریباً همان تعصبات قدیمه را تدریس می کنند و سبب اینکه ما سعی داریم شاگردان خودمان را بخارجه بفرستیم برای این است که معلومات جدید را تحصیل کرده و بتوانند ادارات ما را منظم نمایند شاید آقاییان از وضعیت امروزه در ادارات کاملاً اطلاع ندارند و نمی دانند چه اشخاصی امروزه در ادارات مصدر امر

هستند آیا کسی که سابقاً در اصطبل دولتی بوده است می تواند معارف مملکت را ترقی دهد؟ که او را رئیس معارف و اوقاف یک شهری می کنند آنوقت آقاییان می فرمایند اشخاصی که سالها زحمت کشیده و رفته اند در خارجه تحصیل کرده اند بیابند زبردست این اشخاص کار کنند آقاییان آقا سید یعقوب یک فرمایشی فرمودند و به بنده خطاب کردند که تو در صورتی که از درجه سوم چهارم هستی چه جهت دارد که سعی می کنی که ترتیبی فراهم شود که بفتح اشراف تمام بشود بنده عرض می کنم نمی دانم ناچه مد می توان طبقات مختلفه این مملکت را از هم جدا کرد و گفت فلانی از چه طبقه و فلان کس از چه طبقه است.

اگر بنا باشد ما این ملاحظات را بکنیم مثلا یک کاربرا رجوع کنیم بولاد یکی از فقر در صورتی که از عهده بر نمی آید و بگوئیم فلان شخص گرچه از عهده هم برمی آید ولی چون از طبقه اشراف است نباید آنکار را باو رجوع کرد این ضرری است که بگردان زده ایم در موضوع پیشرفت کار فقط باید لیاقت را منظور داشت نه فقیر و غنی را و اگر هم بگوئیم فقط اولاد اغنیاء توانسته اند بروند بخارجه و تحصیل کنند و اولاد فقرا و اواسط الناس نتوانسته اند این راهم نمی شود قبول کرد زیرا در ابتدای مشروطیت اشخاصی که بخارجه می رفتند برای تحصیل غالباً اولاد اشراف بقول آقاییان آقا سید یعقوب و از درجه اول بودند ولی بعد یکمده اشخاصی از درجه دوم و سوم چه بخرج خودشان و چه از طرف دولت بخارجه رفتند و در آنجا تحصیل کرده اند فرضاً هم فرمایش آقاییان آقا سید یعقوب صدق باشد بواسطه وضع این قانون اگر بدون اینکه نصرت به پیشهاد کنیم و این مسائل را پیش بینی کنیم بگوئیم بعد از این اشخاص که داخل ادارات می شوند باید بطور مسابقه داخل شوند و هر کدام تعصباتشان بیشتر است مقدم باشند این ترتیب که باز بکلی خلاف مقصود آقاییان را می رساند زیرا باز همان اولاد اشراف و اعیان چون بهتر وسائل تحصیل برایشان موجود بوده داخل ادارات می شوند علاوه چنانچه می فرمایند اگر اشخاص طبقه دوم و سوم و چهارم هم اولادهای خودشان را با زحمت زیاد بخارجه بفرستند و در آنجا زحمت کشیده و تحصیل کنند تازه وقتی آنها را که برگشته و خواسته داخل در ادارات بشوند برای آنها هم هیچ مزیت قائل نشده ایم و بنده حتماً بگویم بنده را لازم می دانم آقاییان مغیر فرمودند چون این قانون برای آتیه است و ممکن است انشاء الله برای آتیه معارف ما ترقی کرده و تمام افراد ایرانی باندازه کافی تحصیل کرده باشند از این جهت نصرت لازم نیست عرض می کنم

حالا که این عقیده را دارند بنده هم بایشهاد شاهزاده نصرت الدوله که تازه سال مدت معین کرده اند موافق و انشاء الله در طرف این ده سال هم چنانکه آقاییان مخبر فرمودند در ایران دارای اشخاص دبیرمه خواهیم شد و دیگر محتاج باین نصرت نخواهیم بود و اگر بنا باشد ما این نصرت را اضافه نکنیم بقیمه بنده جلوتر می معارف و تعصبات را خواهیم گرفت و از آقاییان تقاضا می کنم دقتی بر اوضاع بنده نموده و برای پیشرفت و ترقی مملکت راهی باز نمایند

رئیس - آقای مساوات اجازه

مساوات - عرض می کنم تمام اشکال در تطبیق کردن دلیل است بامدها تمام این ادله که بیان کردند همه را تصدیق می کنم ولی مدعا را اثبات نفرمودند ادله را که بیان می فرمایند تمام راجع باین است اشخاصی که در خارجه تحصیل کرده اند آنها مقدمند و امتیاز فضل هم دارا هستند این حرف صبیحی است و کسی منکر امتیاز فضلی و هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون نیست ولی مدعا این نیست حرف در ترتیب ادارات است آیا باید بواسطه هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون ترتیب اداراتمان را هم بهم بریزیم اینجا باید معنی ارتقاء را دانست آیا می فرمایند ترقی از درجه بدرجه دیگر شرط ارتقاء نباشد و فقط شرط ارتقاء داشتن دبیرمه باشد در صورتی که این نمی شود هر کسی و لو اینکه دبیرمه داشته باشد بایستی از درجه اول شروع کرده درجه بدرجه بالا برود تا قانون ارتقاء بدرستی صدق کند اینجا آقاییان دو اشکال دارند اول اشکال بزرگ آقاییان این است که اشخاصی با علم زبردست اشخاص بی علم واقع نشوند در صورتی که اینجا جای این مذاکره نیست و لازم بود در فقره پنجم از ماده دوم که شرط دخول در ادارات را به کلاس متوسطه معین کردند در آنجا پیشهاد می کردند که شرط دخول در ادارات داشتن دبیرمه باشد نه اینکه حالا بفرمایند بیک مرتبه بدون طی درجه اول و دوم و سوم برود به درجه چهارم در این ماده جائز نیست این مسئله مذاکره شود در هر صورت بنده عرض می کنم تمام فرمایشاتی که آقای داور و شاهزاده نصرت الدوله فرمودند صبیح است ولی نه برای این مملکت برای یک مملکت که تمام مؤسسات آن مرتب باشد و همه اهل آن مملکت تحصیل کرده باشند در آن صورت این قانون برای آن مملکت خوب است ولی برای مملکت ما با این وضع و ترتیب ادارات و در صورتی که می خواهیم از اول حمل سنه آتیه این قانون اجرا گردد تصور نمی کنم این قانون قابل اجرا باشد مگر اینکه یک ترتیبی شود که تمام اجزای ادارات را که بدون ترتیب داخل در خدمت شده اند از ادارات خارج کنیم و عوض آن های کمده

مستخدمین تحصیل کرده دبیرمه را در ادارات داخل کنیم شاید آنوقت آن قانون اجرا شود ولی با این ترتیب امروزه که اغلب اشخاص عالم زبردست جاهلین واقع شده اند این قانون عملی نیست و بعد از این هم عملی نخواهد شد

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه پیشهاد آقای داور آقاییان که این پیشهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد

(پیشنهاد آقای حاج میرزا اسدالله خان سکردستانی (بشرح ذیل قرائت شد) بنده پیشهاد می کنم نصرت ذیل در ماده ۲۳ قید شود در موقع ترفیع رتبه که مستلزم اضافه حقوق است حداقل مقرری مرتبه را که مستخدم دار است منظور خواهد شد.

(حاج میرزا اسدالله خان کردستانی) **رئیس -** آقای حاج میرزا اسدالله خان (اجازه)

جای پیشهاد بنده شاید در ماده شانزدهم باهفده بوده است ولی چون موقع نشد در آن مواد پیشهاد کنم لذا حالا عرض می میرسانم ماده شانزدهم که برای تعیین مقرری مستخدمین دولت نوشته شده در جزء هشتم آن ۱۹۹ تومان حقوق مستخدم در درجه هشتم معین کرده است در ماده هفدهم آن قانون هم یک سدس در موقع ارتقاء رتبه برای مستخدمین معین کرده است حالا اگر یک مستخدمی از ابتدای استخدامش همیشه در موقع ارتقاء رتبه یک سدس اضافه حقوق گرفته باشد در این صورت در درجه هشتم ۳۷۵ تومان حقوق خواهد داشت و یک نفر مستخدم که یک سدس اضافه را نگرفته باشد ۱۹۹ تومان حقوق خواهد داشت و این ترتیب که این اندازه تفاوت بین حقوق دو نفر مستخدم که در یک درجه هستند باشد ترتیب خوبی نیست باین جهت بنده این پیشهاد را تقدیم داشتم.

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - چنانچه خود آقای حاج میرزا اسدالله خان هم فرمودند پیشهاد ایشان در این ماده مورد نداشتن و اساساً هم در فرمایششان اشتباه کرده اند زیرا ایشان تصور کرده اند این سدس که در سال دوم اضافه حقوق داده می شود ممکن است تمام رتبه ها را جمع کرد و ادارات و در صورتی که می خواهیم از اول حمل سنه آتیه این قانون اجرا گردد تصور نمی کنم این قانون قابل اجرا باشد مگر اینکه یک ترتیبی شود که تمام اجزای ادارات را که بدون ترتیب داخل در خدمت شده اند از ادارات خارج کنیم و عوض آن های کمده

اضافه و تصور می کنم اگر در اصل ماده ۱۷ درست دقت فرمایند اشتباه ایشان رفع شود

رئیس - آقای حاج میرزا اسدالله خان (اجازه)

حاج میرزا اسدالله خان - آقای سهام السلطان مقصود بنده را درست ملتفت نشدند و سوء تعبیر کردند در همان ماده شانزدهم که فرمودند می گوید: مثلا در درجه دوم مقرری مرتبه مادون باضافه یک نلث و در ماده هفدهم هم در موقع ارتقاء رتبه یک سدس اضافه معین کرده اند فرضاً حقوق مستخدم را در مرتبه اول سی تومان تصور کنیم در موقع ارتقاء رتبه بدرجه دوم اگر یک سدس هم بآن اضافه کنیم چنانچه در اینجا نوشته است بایستی ۳۵ تومان باضافه یک نلث سی و پنج تومان برای مرتبه دوم حقوق معین شود و این ترتیب غلط است

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشهاد آقای حاج میرزا اسدالله خان (جمعی قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود (بترتیب ذیل قرائت شد) مقام منبع ریاست مجلس مقدس نصرت ذیل را بنده پیشهاد می نمایم بامده ۲۳ علاوه نمایم - دارندگان تصدیق نامه رسمی از مدارس عالیه خارجه از دو مرحله و دارندگان تصدیق نامه رسمی از مدارس عالیه داخله از یک مرحله از مراحل ماده ۱۵ معاف خواهند بود با رعایت سایر شرایط مندرجه این قانون مستشار السلطنه.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - گر چه می دانم پیشهاد بنده مثل سایر پیشهاد قابل توجه نخواهد شد ولی لازم می دانم این مسئله را با آقایان تذکر بدهم اگر بنا باشد این ماده بشرتیبی که در قانون نوشته شده بگردد در مدارس هیچیک از محصلین تا کلاس سوم متوسطه را بیشتر طی نخواهند کرد زیرا برای آنها فرق نمی کند چه از کلاس ۳ بیرون بیایند و چه ششکلاس متوسطه را طی کنند در هر دو صورت می توانند داخل در استخدام دولت بشوند علاوه تعصبات سه ساله متوسه برای معاونین و مدیر های سکل وزارتخانه کم است و من معتمد که آنها بایستی یک معلومات زیاد تری از سه سال متوسطه داشته باشد چون در این قانون مستخدمین رابسه طبقه تقسیم کرده اند یک طبقه وزراء و معاونین و سفراء و قضات که این قانون شامل حال آنها نیست یک طبقه منشی و ثبات و قلمه امروز یک همچو مسئله برای مجلس شورای ملی پیش آمده است و همان طور که در مسئله دیانت و مذهب منظور شده است در باب سیاست هم باید منظور شود بنده برای اینکه جمع بین این دو نظر شده باشد و با معنی که اگر فرضاً چند سال اشخاص در مدارس عالیه مشغول تحصیل باشند و بدو ورود

مدت تحصیل آنها محسوب و به مدیری شمه بخدمت وارد شوند غالب اشخاص تعصبات خود را تمام می کنند و لسی در صورتی که مدت تعصبات جزء مدت خدمت رسمی محسوب نشود همین قدر که سه سال متوسطه را طی کردند از مدرسه خارج می شوند و تعصبات آنها ناقص می ماند.

مغیر - من مقصود آقا را نفهمیدم آیا مقصودشان این است اشخاصی که شش سال در مدارس متوسطه و شش سال در مدارس عالیه تحصیل کردند این مدت تحصیل حقوق تقاضا آنها منظور شود یا این که مدت دوازده سال جزو مدت خدمت آنها حساب شود در هر دو صورت صحیح نیست

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیش نهاد آقای حائری زاده می دانند قیام فرمایند (جمعی قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشهاد آقای مستشار السلطنه قرائت می شود (بترتیب ذیل قرائت شد) مقام منبع ریاست مجلس مقدس نصرت ذیل را بنده پیشهاد می نمایم بامده ۲۳ علاوه نمایم - دارندگان تصدیق نامه رسمی از مدارس عالیه خارجه از دو مرحله و دارندگان تصدیق نامه رسمی از مدارس عالیه داخله از یک مرحله از مراحل ماده ۱۵ معاف خواهند بود با رعایت سایر شرایط مندرجه این قانون مستشار السلطنه.

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - البته مجلس شورای ملی که موفق شد بوضع این قانون که در حقیقت بهتر و برجسته ترین قوانین است در اینجا تنها نظریه اخلاقی نیاید باشد بلکه یکی از بهترین نظریات مجلس شورای ملی باید در داشتن فضل و کمال باشد و این هم شاید جزء مرام ما باشد و بهترین موقعی که برای مجلس شورای ملی پیش آمده است الان است که باید این نظریه را عملی کند و بین فاضل و غیر فاضل تفاوتی بگذارد آقاییان در ضمن نطقشان ذکر می اذ درجه و درجه کردند و این مطالب را تکرار نمودند از آن طرف هم آقاییان مخالفین نظریاتشان را تکرار کردند و البته همه معتقدند که بهترین وسیله که ممکن است برای مملکت مؤثر واقع شود باید مجلس شورای ملی پیش بینی کند و بوقوع اجرا بگذارد امروز یک همچو مسئله برای مجلس شورای ملی پیش آمده است و همان طور که در مسئله دیانت و مذهب منظور شده است در باب سیاست هم باید منظور شود بنده برای اینکه جمع بین این دو نظر شده باشد و با معنی که اگر فرضاً چند سال اشخاص در مدارس عالیه مشغول تحصیل باشند و بدو ورود

از مدارس عالیه ایران دو مرحله برای آنها می که بقرتبت نداده و در خارجه تحصیل کرده اند لازم می دانم برای آنان منظور شود مغیر - اولاً هیچ جهت ندارد اگر مدرسه عالی در ایران باشد ما بین آن و مدارس عالی خارجه فرق گذاشته شود تا بنا ماقدر اشخاص فاضل را خواهیم دانست و در چندین مورد گفته ام هر کس افضل است اقدام است و باید او را قبول کنند

رئیس - آقاییان که این پیشهاد را که قرائت شد قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیش نهادی از طرف آقای نصرت الدوله رسیده است قرائت می شود.

بعضی ذیل قرائت شد بنده پیشهاد می کنم نصرت ذیل بعد از ماده ۲۳ علاوه شود نصرت ذیل تاریخ اجراء قانون استخدام تا انقضای ده سال شمسی داوطلبان خدمتی که دارای تمام شرایط مقرر این قانون وقاب قبول خدمت باشد در صورتی که دارای تصدیق نامه رسمی (دبیرمه) از مدارس عالیه حقوق یا سیاسی داخلی و یا خارجی باشند استثنا تا تابع مقررات ذیل خواهند بود.

۱ صاحبان تصدیق نامه رسمی از مدارس عالیه داخلی بدون طی رتبه های اول و دوم رتبه سوم قبول می شوند

۲ صاحبان تصدیق نامه رسمی مدارس عالیه خارجی بدون طی مراتب اول و دوم و سوم به مرتبه چهارم بپذیرفته می شوند.

۳ اشخاص مذکوره در فوق علاوه بر شرایط مقرر در این قانون برای دخول بخدمت باید امتحان عملی نیز در موقع ورود برای استفاده از مقررات استثنائی باشند (فیروز)

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه) نصرت الدوله - بنده خیلی توضیحات دارم و محتاج نمی دانم که آنها را تکرار کنم لیکن می خواهم یک جوابی بآقای مساوات عرض کنم والا راحت نیستم آقای مساوات می فرمایند که دلایل صحیح است ولی اثبات مدعا نمی کنند و آنوقت می فرمایند اگر شما می خواهید اینکار را بکنید در ماده دوم بنویسید که داوطلبان از برای استخدام دولتی باید دارای دبیرمه بوده سوم قانون کمی گوید علاوه بر شرایط مندرجه در ماده دوم داوطلبان خدمت در ادارات کشوری باید شرایط ذیل را دارا باشند این معنایش دبیرمه است شما می خواهید اینطور در نظر بگیرید کسی که سه ساله متوسطه را تحصیل کرده است بدون هیچ معلوماتی برود در وزارت خارجه مستخدم شود این ماده برای این است که تعصبات معصومه هر وزارتخانه را باید دارا باشد و در جای دیگر این قانون نوشته شده است دخول در خدمت رسمی باید بطرز مسابقه

بعمل آید مسابقه یعنی چه؟ یعنی نفر که می آید و داوطلب از برای خدمت میشوند این ده نفر باید امتحان بدهند تا افضل و اعلم آنها معلوم شود حالا چیزی را که ما می خواهیم این است که شما حقیقت و عمل نگاه کنید نه باصول و ماده شمایک اشخاصی را امروز می آورید اینجا می گوئید بر وزیر دست یک رئیس بنده عرض می کنم اگر دارای معلومات است و در درجه بالاتر از اشغال کند علاوه بنده قائل شدم که یک امتحان عملی هم بدهد تا معلوم شود از جریان خصوصی وزارت خارجه مسبق است یا نه مغیر - اینکه آقای نصرت الدوله فرمودند افضل اقدام است بنده هم عرض کردم افضل را فضیلت می دهند فضیلت در این قانون مستمن نگفتم کادر جیب من است مثلا دو نفر تحصیل کرده هستند و امتحان می دهند هر کدام نمره اش بیشتر است مقدم است بر دیگری و اینکه می فرمایند تا ده سال این مطلب اجرا شود بنده عرض می کنم اگر می خواهند اصلاح کنند مستخدمین حاضر را اصلاح کنند که الان اشخاص عالم زبردست اشخاص غیر عالم هستند پس باید سعی کنیم و از برای مستخدمین جدید ترتیب امتحان قرار بدهیم و این مطلب برای مستخدمین است که منبده استخدام خواهند

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیشهاد آقای نصرت الدوله آقاییان که پیشهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشهاد آقای مستشار الملک قرائت می شود (بعضی ذیل قرائت شد) نصرت ذیل را این بنده در ماده ۲۳ پیشهاد می نمایم

نصرت ذیل - اشخاصی که دوره تحصیلات متوسطه و عالی را تمام کرده و تصدیق رسمی داشته باشند با رعایت سایر شرایط مدت خدمت آنها در مراتب اول و دوم و سوم و چهارم یکسال است مستشار الملک (مدت نصرت ده سال است)

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه) مستشار الملک - بنده برای آنکه هم رعایت امتیاز فضلی شده باشد و هم رعایت درجات وزارتخانه شده باشد چون در اینجا باقی نماند نمی تواند بدرجات بالا تر نایل شود برای اینکه رعایت امتیاز فضلی را کرده باشیم و بنده پیشهاد کرده ام که در درجات پائین یکسال باشد

رئیس - آقای مساوات (اجازه) مساوات - حالا که آقاییان معتقدند که درجات از اول شروع بشود بعد از آنکه معتقد بر ترتیب شدیم می خواهیم بین اشخاص که داخل در خدمت می شوند امتیاز فضلی دارند با اشخاصی که امتیاز فضلی ندارند

تفاوت بگذاریم در اینجا دو طریق تفاوت ممکن است یکی تفاوت مدت خدمت در درجات مثلا کسی که صاحب دیپلم باشد در درجه اول یکسال بماند و کسانی که صاحب دیپلم نیستند دو سال بمانند یکی هم تفاوت در حقوق یعنی کسی که دارای دیپلم است پنجاه تومان حقوق بگیرد و کسی که دارای دیپلم نیست سی تومان باید ملاحظه فرمائید همانطور که در حقوق آنها تفاوت معتقد نیستیم در درجات آنها هم معتقد نخواهیم شد. پس اگر معتقد بشویم استثناء درجانشان بالاتر از سایرین باشد بنده پیشنهاد می کنم که حقوقشان هم بیشتر باشد در صورتی که آقایان این قسمت را اجازه نمی دهند گمان نمی کنم که قسمت دیگر را هم اجازه بدهند.

رئیس - رأی می گیریم. بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مستشار الملک برای مدت ده سال آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند.

رئیس قابل توجه نشد. شش فقره پیشنهاد دیگری است که بماند برای بعد از تنفس در موقع تنفس باید کمیسیون قواید عامه کده نفع عضو دارد و کمیسیون یست و تلگراف که نه نفر عضو دارد و کمیسیون ماله را که دوازده نفر عضو دارد انتخاب فرمائید.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیاساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر اجازه می فرمائید راپورت کمیسیون عدلیه قرائت شود
رئیس - اجازه با بنده نیست با مجلس است خودتان که بهتر مسوولید معافانی نیست (مخالفتی نشد راپورت من بور به مضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون عدلیه در سه جلسه پیشنهاد دولت را راجع بمواد مضره بدین مبین و جلوگیری از طبع و انتشار آن در تحت مذاقه و مذاکره در آرد و در خصوص ماده سوم پیشنهاد دولت راجع بانگاه مواد مجازات عرفی چون کمیسیون مواد مزبور در قانونی نداشتند اظهار عقیده در آنرا خارج از وظیفه خود ودولت را مکلف بالقای آن می داند لهذا از ماده سوم صرف نظر نموده و دو ماده دیگر را شرح ذیل تصویب تقدیم مجلس می نماید

ماده ۱ - چون مطابق اصل بیستم قانون اساسی عامه مطلوبات بفر از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام ممنوع نیست هموم مدیران جراید و یا مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت چیزی می توانند بشود و یک در دسر هائی از برای اشخاصی که مأمور اجرای این قضیه هستند تولید کنند که در اینجا بطوری نوشته شده است که مشخص آن منزه و میرا خواهد بود از اینکه برخلاف معنای حقیقی آن تعبیری بکنند

که خبر بیت او بتوسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق و از طرف وزارت معارف در تهران و در هریک از مراکز ایالات و ولایات معرفی شده باشد مراجعه نمایند تا مدافه نموده پس از آنکه عدم مضر بودن آن بدین اسلام ومدنه کتباً تصدیق شده طبق و نشر کنند.
ماده ۲ - هر گاه یکی از مدیران جراید و یا مجلات و یا ارباب مطابع و یا دیگری از مصادمه تخلف نموده می العموم و یا مدهمی خصوصی قضیه را بناظر شرعیات قانونی و یا مجتهد عادل مسلم رجوع بنمایند بعد از تصدیق کتبی مشاوریه بمضر بودن بقورت اوراق منتشره جمع آوری و توقیف شده مدیر و نویسنده و طبع کننده مستنداً بتشخیص ناظر شرعیات و یا مجتهد عادل مسلم مطابق قانون مجازات خواهد شد جائز زاده - طبع و توزیع نشده است معارف وزارت عدلیه - چون فوریت این قانون تقاضا شده بود و در آن موادی که سابقاً طبع و توزیع شده بود چندان تغییرات اساسی داده نشده است این است که بنده تقاضای کم همین امشب مطرح شود
رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
آقایان را کاملاً مستحضر کنم که در اینجا برای مدافعه از هیچ قانونی نیامده و مخالفت با هیچ پیشنهاد علی الخصوص با این پیشنهادی که قرائت شد ندارم و در تحت تأثیر هیچ نوع تأثیرات هم اینجا نیامده که اظهاراتی بنمایم موجبی که مرا وادار کرده است داخل این قضیه بشوم و چند کلمه بمرض آقایان برسانم در چیز است یکی تقاضای جزئی عدلیه که یک توضیحی نسبت بقسمت ماده اول پیشنهاد فرمائید.
دیگر اینکه هراض من راجع بمقدمه راپرت و قانون جزای عرفی است و آنهم فقط از نقطه نظر تاریخ و اطلاعات آقایان است بیک گذارشاتیکه شاید آن گذارشات کاملاً بسمع آقایان نرسیده است توضیحی که می خواهم عرض کنم این است که در ماده اول حقیقه اگر تفسیر نیست توضیح اصل ۲۹ قانون اساسی است و در این ماده عبارت اصل مربوطه بمنزه ذکر شده است بنده می خواستم به بینم آیا کمیسیون نمی تواند یک عبارت صریح و روشن تری که بهتر مقاصد آقایان را ادا کند بطوری نباشد که زحمات و در دسر هائی تولید کند بیدانمانند ؟

بنده فقط یک تذکر می دهم زیرا میترسم در ذیل امور مربوطه بمنزه بیک مشاجراتی پیش بیاید یعنی بگویند این عبارت شامل هر چیزی می تواند بشود و یک در دسر هائی از برای اشخاصی که مأمور اجرای این قضیه هستند تولید کنند که در اینجا بطوری نوشته شده است که مشخص آن منزه و میرا خواهد بود از اینکه برخلاف معنای حقیقی آن تعبیری بکنند

معهدا ممکن است سبب مشاجرات بشود و چون خود بنده عبارتی در نظر ندارم پیشنهاد کنم لهذا تذکر می است که می دهم و منوط برای کمیسیون و آقایان است و چنانکه عرض کردم بنده هیچ عقیده ندارم قانونی که بتصویب مجلس شورای ملی نرسیده است قانونیت پیدا کند و مطابق اصول مسلمه مشروطیت و قانون اساسی هیچ قانونی بدون تصویب مجلس شورای ملی قانونیت ندارد پس با این نظر به چه وجه مخالفت ندارم ولی چون اسم بنده با این موادی که مطرح مذاکره است مخلوط است و چون بنده در ضمن اشخاصی که در تدوین و جمع آوروی این مواد موقتی (در موقعی که مجلس شورای ملی بحال فترت بود) شرکت داشتم این اطلاعات را می خواهم بمرض آقایان برسانم مطابق قانون اساسی مرجع امورات قضائیه را محاکم عدلیه قرار داده اند و بر طبق این اصل یک قوانین موقتی در کمیسیونهای مجلس گذشته بود منجمله قانون اصول تشکیلات عدلیه بود یک محاکم محکمه پیش بینی می کرد یکی از آن محاکم محکمه جزا بود و یکی از آن قوانین هم اصول محاکمات جزائی بود این دو قانون قوانینی هستند که از کمیسیونهای مجلس گذشته و اجرا شده اند و پس از تشکیلات عدلیه بر طبق آن قانون یک محکمه جزائی (که مثل کلبه محاکم عدلیه عرفی است و این اصلاحیه مطابق خود قانون اساسی است) تشکیل شده بود و مطابق اصول محاکمات جزائی هم رویه دخول در محاکمه و تعقیب در محکمه هم در آن پیش بینی شده بود ولی هیچ دستور العمل خاصی و یک قانون و موادی نبود که آن مواد تکلیف حکم و قضائی محکمه را پس از تشخیص جرم معین کند حتی در اصول محاکمات حقوقی هم مواردی است که در آن موارد راجع بمحضر شرح کاملاً تشخیص داده و معین است که محکمه هر وقت باقضائیه که از قبیل مطالب مندرجه در آن مواد است مواجه شود مکلف است بمعاکم شرعیه رجوع کند در اصول محاکمات جزائی متأسفانه یک چنین فرقی داده نشده بود عمل چه بود عمل این بود که این محاکم بموجب اصول محاکمات جزائی مجبور بودند که محاکمه کنند و آنوقت یک احکامی هم از این محاکم صادر می شد قضائی که در آن محکمه نشسته بودند مسلم بود دارای آن شرایطی که بتوانند مطابق آن شرایط قضاوت بنمایند نبودند یک زحمتی از برای هموم مردم و عدلیه تولید شده بود در دوره - موم مجلس در کمیسیون عدلیه که آقای مدرس و آقای شیخ محمد حسین یزدی هم در آن موقع در مجلس بودند و جمعی دیگر از آقایان حاضر که در این مجلس هستند در آن کمیسیون عضویت داشتند بنده در آنوقت معاونت وزارت عدلیه راهم دار بودم و یک موادی بعنوان قانون جزا پیشنهاد کردم و همین

اختیاراتی که بکمیسیون فملی عدلیه داده شده است بآن کمیسیون هم گویا داده شد بود و بدون اینکه از آن کمیسیون گزی شود متأسفانه و بد بختانه دوره مجلس بواسطه یک اتفاقات غیر مترقبه منقضی شد و من شش سال بلکه متجاوز دوره فترت نبودم قوه مقننه در این ملک دوام پیدا کرد در غیبت مجلس نظر با احتیاجات والتزاماتی که در وزارت عدلیه برای دولت مردم بود وزارت عدلیه باین خیال بود که روی همین زمینه که کمیسیون عدلیه دوره سوم اتخاذ کرد بود یک مواد موقتی از برای محاکمات اتخاذ کنید و اگر درست بخاطر داشته باشیم در آن کمیسیون هم آقای مدرس اظهار فرود اگر ما بخواهیم قانون جزا بنویسیم باید طوری باشد که محاکم عرفی هم قادر بجاری آن باشند و غیر از موارد قتل و حدود که حکمش با مجتهد است در قسمت تقدیر اختلاف عقیده است که آیا حکم بتقدیر را حتماً باید مجتهد عالم و عادل مسلم بصد یا هر مسلمانی می تواند بصد حالاً اگر بنده اشتباه کرده باشم ممکن است بواسطه جهل خود باشد چون نقل قول می کنم و چندین سال سال هم گذشته است ممکن است برای من یک اشتباهی روی داده باشد ولی آقای مدرس تقریباً این طور اظهار می فرمودند بعد متأسفانه خود ایشان هم تشریف نداشتند و یک اشخاصی که خبری در این امر داشتند مراجعه شد که با او درین دولت کمک کنند و یک موادی بطور موقت تهیه نمایند که بشود آن ها را اجرا کرد
قبلاً باید عرض کنم که در همان اوان بواسطه اینکه مدت ها بود از اجرای قانون تشکیلات و قانون اصول محاکمات جزائی گذشته بود ولی وزارت عدلیه موفق نشده بود که یک محاکمه جنائی اختصاصی تشکیل دهد زیرا تا آنوقت هیچ یک از وزارف دولت های وقت توانسته بودند یکی از مجتهدین مسلم را راضی نمایند که ریاست محکمه اختصاصی جنائی را قبول کنند در همان موقع بنده در وزارت عدلیه بودم و آقای آقا میرزا سید محمد یزدی ریاست محکمه جنائی اختصاصی در عدلیه تشریف آوردند و امور جنائی اختصاصی را مطابق اصول تشکیلات قبول نمودند و با رجوع باهل خیره مشورت می کردیم تا اینکه یک راه حلی برای این قضایا پیدا کردیم کلبه اساس و اصول آنچه که گفته شده نوشته شده مبنی بر این اصل بوده و از نقطه نظر تاریخ و رفع یک اشتباهی نسبت بگذشته عرض می کنم اولاً همانطوری که عرض کردم هیچ وقت در این جا برای مدافعه از قانون نیامده ام و مجدداً عرض می کنم که نسبت بمراض من سوء تفاهم نشود ببلای تمام این مواد و تمام این اصول را مبتنی بر این اصل کردند که در آخر قانون پیش بینی شده بود و مخصوصاً بند آن ماده را میخوانم ماده ۳۴۸ مجازاتهای مقرر در این قانون

در باره مقصرین فقط از حیث جنبه سیاسات حرفه و حفظ انتظامات ملکیه است لیکن تصدیقات و جنایاتی که موافق موازین اسلامی طرق تعقیب و کشف میسر و عقوباتش مضروب و معین است راجع به محاکمه جنائی اختصاصی است که پس از محاکمه رسمی و صدور رای حاکم شرع متصدی امر قضا مقصرین موافق حدود و تعزیرات مقرر در شرع اسلام مجازات میشوند.
بر طبق این ماده آن اشخاصی که این قانون را خواستند بطور موقت اجرا کنند نظرشان این بود که هر مقصر جنائی که بعد می می آوردند فرستاده شود بمحاکمه جنائی اختصاصی نزد حاکم شرع مسلمی که در آنها رئیس باشد علاوه بر این ماده در موارد دیگر هم در هر موردی اول وهله نوشته شده چنانچه در موارد سرق و نظور است در موارد دیگر هم همین طور نوشته شده اول باید بمحاکمه جنائی اختصاصی مراجعه شود این یک قسمت از توضیحات بنده اما یک قسمت دیگری که آنرا هم ناگزیرم است و آن این است که در این مواد یک قسمت همده بلکه بیشتر آنها راجع بیک قضایای مبتلا بر روزانه و خیلی جزئی و عادی است که عدلیه و دولت بایستی در آن موقع پس از گذشتن این راپورت یک پیش بینی هائی برای این موارد بکنند زیرا افراد ممکن است یک زحمت هائی برای مردم این شهر تولید شود که هیچ نوع راه علاج برای آن میسر نشود فلما ملاحظه فرمائید مطابق ترتیبات جاریه بلدی باید شبها چراغ درب خانها روشن شود اگر کسی تخلف کرد و چراغ درب خانها را روشن نکرد تکلیف او چیست ؟ باید آن پلیس که در کوچه است این نظر را اجرا کند هم چنین در شکه چی بلدی مطیع حکم پلیس باشد اگر پلیس نظمی توی کوچه گفت در شکه چی بایستی توقف کند و الا باعث هرج و مرج می شود و الا اگر پلیس گفت در شکه چی بایستی وتوقف نکرد باید او را مجازات کنند و اگر آقایان آن قانون را مطالعه کرده باشند می دانند که تمام مواد این قانون راجع باین قضایا است مثلا راجع بدستور العمل سمسارها که یک جنسی را می خردند یا می فروشند چون بنده پنج شش سال در عدلیه بودم و ممارست زیاد نسبت بآنها پیدا کردم بتجربه و عمل فهمیدم که اغلب دزدی ها و در دسر هائی که پیدا می شود بواسطه این سمسارها است لذا در این قانون یک پیش بینی هائی شده بود که باید هر یک از سمسارها دفاتری داشته باشند و چیزی که می خردند سنب بگیرند و الا دولت مردم دچار زحمات زیادی می شوند این را

هم بطور تذکر عرض کردم برای این که آقایان یک فکری از برای این قضیه بکنند دیگر بیشتر از این نمی توانم در این مسئله شرح دهم و خودم را معطل کنم زیرا آنوقت ممکن است تعبیراتی بمراض بنده شود که هیچ مطابقه بانظریات بنده نداشته باشد دیگر این که این نکته را بر حسب تکلیفی که دارم عرض می کنم آنهم بازار راه تذکر و برای یاد آوری است و این جا هم البته روی سخن بنده و پیش بینی بنده بادولت است چون هر کس مکلف است که در حدود اطلاعات و در حدود قسمت هائی که بیشتر سابقه دارد آنچه بنظرش میرسد در مقام صمیمیت بگوید بنده امروز این جا مکلفم از نقطه نظر آتیه بگویم دولت می بایستی این کاری را که امروز تقاضای آقایان پیشنهاد کرده است خودش زود تر پیشنهاد کرده باشد و در مقابل خارجیها و در مقابل اشکالاتی که از سیاست خارجی ممکن است در آتیه برای ما تولید شود یک پیش بینی قبلی هم کرده باشد و اگر این تهیه قبلی را دولت نداشته باشد این اقدام یک نقصانی خواهد داشت که برای دولت و ما ممکن است در آتیه یک درد سر هائی تولید شود
معاون وزارت عدلیه - در این قسمت فرمایشات شاهزاده نصرت الدوله که خطاب بوزارت عدلیه و دولت بود بنده همین قدر تذکر می دهم که دولت یک تهیه هائی کرده است و یک کمیسیون مرکب از اشخاص متخصص و چند نفر از علماء تشکیل داده اند و راجع ببیشنهاد قانونی که تقریباً بمجلس خواهد آمد مشغول مذاکره هستند و همین زود بیا لایحه آن بمجلس تقدیم می شود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده موافقم
رئیس - آقای حاج میرزا عبده (اجازه)
حاج میرزا عبده اوهاب - بنده هم موافقم
رئیس - آقای محمد شاه میرزا (اجازه)
مجلس کمیسیون مجتهد عدلیه راجع بقانون اساسی نکرده باشد زیرا در قانون اساسی دین مبین است ولی در این جا لفظ اسلام است البته مقصود یکی است ولی باید عین عبارت صریحاً نقل شود اما آن قسمتی که شاهزاده ایراد نمودند بنده لازم است دو سه کلمه از طرف موکلین خودم که خراسانی باشند عرض کنم از روزیکه قانون جزای عرفی بخراسان آمد خراسانی ها آنرا نپذیرفتند مقصود از هراض بنده تعرض بعضرت والا نیست بلکه اکمل شرایع را دین اسلام می دانستند و در دین اسلام برای هر جزئی هم

حکمی است و این که فرمودند چاره نداشته اند جز تصویب این مواد صلیح نیست گرچه مجلس باین قانون رأی نداده است ولی در موارد جهل بحکم شرعی که بعضی از آنها هم همین چیز ها است بایستی بحکم شرع رجوع کنند و این اشخاص اشتباه کرده اند و قانون اسلام را نمی دانستند
حاج شیخ اسدالله - مخبر کمیسیون عدلیه - بنده عرض می کنم یک پیشنهاد قانونی از طرف دولت شد کمیسیون هم در آن وقت نظر کرد و تقدیم مجلس کرد البته باید عین عبارت قانون اساسی نوشته شود اما راجع بیک قسمت از فرمایشات شاهزاده نصرت الدوله که فرمودند (امور مربوط بذهب) بیک عبارت مناسب تری تبدیل شود نظر خودشان را فرمودند که چه عبارتی ممکن است نوشته شود که جامع تر و مفید تر باشد علاوه در قانون اساسی همین کلمه را دارد و در اصل ۷۱ می نویسد دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی نظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول از مجتهدین جامع الشرایط است. نظر کمیسیون هم مأمور شرعیه است اما راجع بفرمایشاتی که شاهزاده در خصوص قانون جزای عرفی فرمودند عرض میکنم و راجع بمواد قانون جزای عرفی نمی خواهم داخل در تنقید یا تعجید بشوم و وظیفه من هم از نقطه نظر مخبری کمیسیون نیست زیرا کمیسیون اصلاً وارد در این مرحله نشده اگر کمیسیون وارد در آن مواد شده بود آن وقت بنده جواب شاهزاده را عرض می کردم و موادی را که اسباب اشکال شده است می خواندم و این این ماده آخر را هم که خواندند آن مواد را تأمین نمی کرد این است که عرض کردم چون خارج از وظیفه من است و وارد آن قسمت نمی شوم و کمیسیون هم چون آنرا بر سمیت نمی شناسد وارد در آن قسمت نشده است زیرا از تصویب مجلس نگذشته بود و او گذار بنظر دولت نمود که چون رسمیت ندارد موقوف الاجرا بماند لکن مملکت یک قانون جزا لازم دارد و باید دولت لایحه آنرا بمجلس پیشنهاد کند تا اینکه یک موادی که مناسب با اخلاق و عادات ومدنه اهالی این مملکت باشد از مجلس بگذرد زیرا خیلی از مواد این قانون موافق اخلاق این مملکت نیست
معاون وزارت عدلیه - در تعقیب فرمایشات آقای مخبر باید عرض کنم این ماده سوم پیشنهادی دولت اصلاً در کمیسیون مطرح نشده بود و بنده هم خود آنرا پس می گویم
رئیس - آقای مدرس (اجازه)
مدرس - بنده گمان میکنم این لایحه یک چیز تازه که بر قانون اساسی علاوه شده

باشد نیست یک فرمایشاتی شاهزاده نصرت الدوله فرمودند که لابد در آن زمینه چند کلمه عرض کنم در دوره سوم که قانون جزا مطرح شد شاهزاده نصرت الدوله آن قانون را که نیدانم ترجمه کرده بودند یا تالیف بکمیسیون آوردند و ما هم بمقتضای تکلیف خودمان ۸۰۰ ماده در جزا نوشتم هزار سال قبل بلکه متجاوز این مملکت یک قانون جزائی داشته و مملکت هم منظم بوده ولی چون امروز ما با سایر دول ارتباط داریم باید قوانین خودمان را طوری بکنیم که محدود باشد ولی ارتباطمان با سایر دول مقطوع نباشد و اشخاص میتوانند این کار را بنمایند که عالم همه علوم باشند متأسفانه یک دسته ای هستند که عالم با اخلاق و علوم مملکت هستند لیکن آنها از مادوری می کنند و ما هم دیدیم حاضر نشدند که با ما مشارکت نمایند تا اینکه یک قانون جزائی که موافق با مذهب ماست نوشته شود بعد هم مهاجرت پیش آمد و این قانون جزا را در مملکت منتشر کردند و خیلی زحمتهای هم تولید شد اصولاً و فروماً بنده در این قانون اشکال دارم اما این که می گویند اگر پلیس بدر شکه چی گفت بایستی ایستاد ما حکم این را نداریم بنده عرض می کنم داریم. کی خواست که با و بگویم و آنچه را که گفته ایم عمل نکردند پس اگر خواسته بودند و عمل هم میکردند موافق مقتضیات امروزه ما قانون جزا مرتب شده بود ولی بعد از این ترتیب البته آنها هم مساعدند ما هم باید با آنها مساعدت کنیم و با یک نظریات وجدانی قوانینی تهیه شود که رفع احتیاج مملکت را بنمایند و انشاء الله موافق مقتضیات هم خواهد بود
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
آقای میرزا هلی کازرونی - اینکه کمیسیون در قسمت اول این راپورت نوشته است که خودش را صالح از برای دخالت در این قانون ندانسته است در آن عرضی ندارم لیکن اینکه شاهزاده نصرت الدوله با یک حالت اضطراب و وحشتی فرمودند اگر این قانون القاء شود ما دچار یک مشکلاتی خواهیم شد هیچ مشکلاتی برای ما نیست و همان قوانین اسلام محتوی اصول و فروع و تمام جزئیات هست و گمان می کنم اشخاصی که این قانون جزای عرفی را ترجمه کرده اند یا خودشان نوشته اند هیچگونه اطلاعی از امور شرعیه نداشتند و گمان می کرده اند در مذهب اسلام قانونی نیست که بتواند در مقابل این قانون جزای عرفی تکفوره کند و چون بی اطلاع بودند این بود که این قانون را ترجمه کردند حالا باین مطلب کار نداریم فقط دو چیز است که میخواهم عرض کنم یکی این است که بایستی از طرف مجلس یک تأکیدات فوق-

الماده بشود که در قیاب مجلس شورای ملی کارهایی که بعضی هائوزری اراده خودشان می کرده اند نمایند و در این قسمت ها هم مداخله نکنند یعنی از روی میل خودشان یک قانونی بنویسند بموقع اجرا بگذارند وضع قانون منحصر آرزو ظایف مجلس شورای ملی است و هر چیزی که از تصویب مجلس نگذشته باشد قانونیت ندارد اما راجع بان دو ماده که از طرف کمیسیون عدلیه پیش بینی شده چون آن دو ماده در طرز عمل مطابق قانون اساسی است نمی توانم مخالفت کنیم و میخواهم عرض کنم که هیچ دلیلی ندارد که ما بخواهیم مخالفت کنیم آنها از مصراحت قانون اساسی است باین جهت بنده کاملاً با آن موافقم

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم برای دخول در مواد آقایانی که تصویب میکنند داخل در شور مواد بشویم قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - چون مطابق اصل بیستم قانون اساسی همه مطبوعات بتیغ از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام آزاد و میزنی فقط در مورد کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام - نوع بیست و دوم مدیران جرائد و یا مجلات و ارباب مطابع باید ملتزم شوند که هر وقت بخواهند در امور مربوطه بدین اسلام و مذهب اصولاً و فروعاً انشائاً و با نقلاً و لوهزلاً چیزی طبع کنند قبلاً به ناظر شریعت که خبریوت او بتوسط دو نفر مجتهد جامع الشرایط تصدیق و از طرف وزارت معارف در تهران و در هر یک از مراکز ایالات و ولایات معرفی شده باشد مراجعه نمایند تا مذاکره نموده پس از آنکه عدم مضربودن آن بدین اسلام و مذهب کتباً تصدیق شد طبع و نشر کنند

رئیس - آقای آقا سیدفاضل (اجازه)

سیدفاضل - بنده موافقم

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائری زاده - بنده یک درستی در موقع تقدیم لایحه عرض کردم که وظیفه دولت بوده است اصلاً این قانون را اجرا نکند بجه جهت این قانون مهمل را اجرا کرده است که امروز این لایحه را تقدیم مجلس میکند و همین اندازه عرض می کنم که ماده اول چیزی تازه نیست و همان اصل بیستم قانون اساسی است که بعبارة دیگر نوشته شده

ماده دوم هم که در این جا نوشته اند یک مجلاتی نوشته اند که قانون مطبوعات خیلی مفصل تر و مشروح تر این هارا تشریح کرده است من عقیده دارم که قانون را بایستی از برای عمل نوشت * این قوانین نوشته شده خیلی مفصل تر و مشروح تر از این دو ماده است اگر دولت مطالعه نکرده است خوب بود اعضا کمیسیون در آن وقت می فرمودند * * * یکی از نمایندگان - وقت تک بوده است فرصت نکرده اند

حائری زاده - حتی عبارت قانون اساسی را مطابق اصل بیستم نه نوشته بودند من موافق آن را قرائت می کنم تا آقایان مسیوق بشوند باینکه که آیا محتاج هستیم باینکه این دو ماده تصویب شود یا نه؟ اگر محتاج هستیم آنوقت وارد مذاکره شویم موافق اصل بیستم قانون اساسی همه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام آزاد و میزنی در آنها ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده و بانویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می شود اگر نویسنده معروف و مقیم در ایران باشد حکمش چیست و بعد جرائنش را می نویسد بعد در ماده ششم قانون مطبوعات می نویسد هر روز نامه و جریده باید یک نفر مدیر مسئول داشته باشد *

ماده ۶ - هر روزنامه و جریده باید یک نفر مدیر مسئول داشته باشد متصرف بصفت ذیل

۱ - ایرانی باشد

۲ - سنش سی سال بالغ باشد

۳ - زوال

شرف از او نشده باشد یعنی مرتکب بجنحه و جنایات و مشهور بفسق و فساد عقیده نباشد

ماده ۸ قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقه مقرر مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را در روی یک ورقه بنظارت انتظامات بفرستد *

۱ - اسم و رسم مدیر روزنامه و محل اداره آن *

۲ - اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن طبع خواهد رسید *

۳ - عنوان روزنامه و جریده مرتب طبع آن که یومیه است یا هفتگی است یا ماهانه *

۴ - عده چاپ هر نمره

۵ - مسلك روزنامه و سیاق مطلب آن در هر صورت تغییر هر يك از کیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازم بنظارت انتظامات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً در روی ورقه معینه با امضای مدیر مسئول بعمل آمده آن ورقه تبر دولتی خورده باشد بموجب این فصل مدیر مسئول روز نامه ملتزم است که در صورت تخلف از پنج الی پنجاه تومانی دادنی باشد

و باید در مجمعی که وزارت معارف از علماء تشکیل می دهد بان مجموعه رجوع شود که آنها ممیزی بکنند ببینند چیزی بر خلاف دیانت اسلام نوشته نشده باشد اگر يك کسی خواست يك كتاب فقهی بنویسد و احکام اسلامی را درج نماید این را باید قبلاً بنظر متخصصین آن که علماء باشند برساند که آنها ببینند يك مطالبی نباشد که بلسان اسلامی خواسته باشند تبلیغ کنند و آن قسمتهائی که راجع بقوانین اسلامی است بنظر آنها برسد بعد طبع شود ولی ممکن است دولت در اجرای این اصل مسامحه زیاد والا عامه کتب و آلهائی که راجع بمسائل دینی باشد باید بوزارت معارف و ناظر شریعت مراجعه شود که در آن مطالعه نموده اگر يك موادی بر خلاف اصلی از اصول اسلام در آنجا نوشته شده است اصلاح نموده و بعد اجازه طبع آنرا بدهند این راجع بود بکتاب و مجلاتی که راجع بدیانت است و قانون مطبوعات هم این اصل را تأیید می کند اگر گفته شود ممکن است در يك مملکتی روزنامه یومیه باشد و ساعت پنج میرود بمطبعه و صبح پیش از آفتاب از مطبعه بیرون می آید بنده عرض می کنم که از طرف وزارت معارف ورقه بمدير روزنامه داده می شود مدير روزنامه باید معین کند که روزنامه او چه مسلكی دارد در مسائل سیاسی چیزی می نویسد؟ در مسائل دینی چیزی می نویسد؟ یا در ادبیات دم میزند؟ در چه موضوع مذاکره می نماید؟ اگر روزنامه یرمی در این مملکت یافت شد که متوجه در مسائل دینی صحبت نماید آن روزنامه را بایستی قبلاً ناظر شریعت مطالعه کند که مسئله برخلاف دیانت اسلامی در آن درج نشده باشد پس مدير هر روزنامه بایستی قبلاً بوزارت معارف برود و مسلك خود را معین نماید که دارای چه مسلكی است اگر حاکم شرع که عضو شورای عالی معارف معرفی نکرده بود و برخلاف اظهارات سابق خودش راجع بمسائل دینی چیزی نوشته بدو محتاج بهما که نیست زیر ماده ۴۳ قانون مطبوعات می گوید مأمورین وزارت معارف که برای روزنامه معین میشوند و پلیس حق دارند روزنامه و جراید را در مواقع ذیل توقیف کنند

اولاً - آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه مضر با اساس مذهب اسلام باشند این مسئله ابتداء محتاج بهما که نیست همین که يك مسئله را برخلاف دیانت اسلام در روزنامه دید آن روزنامه را توقیف میکنند و بعد معاکه مهشود * راجع بهما که مطبوعات آن قسمتی که راجع بسیاسات است بدهی است که باید هیئت منصفه حضور داشته باشد و معاکه شود چنانچه يك اصل دیگر قانون اساسی تفکیک کرده است امور هرقه را با امور شرعیه بدهی

است در مسائل شرعی حکام شرعی متخصص و مطلع در این امر هستند و آنها بایستی تشخیص بدهند که این مسئله که در فلان روزنامه نوشته شده است برخلاف دیانت است یا نه بنابر این خوب است این اندازه قانون مطبوعات را معطل نکنند و این ماده را هم در آنجا بگنجانند * بهرحال این روزنامه که در اینجا نوشته شده چیز تازه نیست الا این که يك قسمتی از اصل بیستم قانون اساسی را گرفته و تحریف کرده و بعضی از مواد قانون مطبوعات را هم بهم مخلوط کرده اند در قانون اساسی و قانون مطبوعات خیلی صریح تر است و در موقع معاکه هم وقتی معاکه می کنند راجع بمطبوعات و غیر مطبوعات بایستی علمای اعلام تصدیق بکنند که فلان مدیر جریده مجرم بوده است یا نه؟ و برخلاف دیانت اسلامی چیزی نوشته است یا نه؟ و این دو ماده که نوشته شده است هیچ فایده ندارد و يك ماست مالی است و من می خواهم بکطوری بشود که اشخاص بی اطلاع دخالت در امور دینی نکنند و دیانت اسلام يك روز باز بچه روز نامه نویس يك روز باز بچه روز بایزه دولت نشود این را باید جلو گیری کنیم و این ماده این مقصود را تأمین نمی کند و من عقیده دارم که موادم قانون مطبوعات را که نوشته شده است تفکیک کنیم آن قسمتی که راجع بامور دینی است مخصوص بحکام شرع است و آن تیکه که راجع بسیاست و تهمت است راجع به هیئت منصفه

و شورای عالی معارف است و یک نفر از حجج اسلام را هم تصویب کرده اند که در شورای عالی معارف حضور داشته باشند و هر روزنامه و مجله را که دولت امتیاز بدهد باید بدستور شورای عالی معارف باشد اگر مأمورین دولت ملاحظه کاری را از دست ندهند آن حاکم شرع که عضو شورای عالی معارف است اگر یک نفر آدم لامذهب و لائیدی خواست امتیاز روزنامه بگیرد جلو گیری کند نه اینکه هر روز اسباب زحمت دیگران را فراهم بیاورند و چون این دو ماده مقصود را تأمین نمی کند از این جهت من باین دو ماده مخالفم *

مخبر - بالاخره بعد از فرمایشات مطول آقای حائری زاده بنده مقصودشان را نفهمیدم آیا مقصودشان این است که قانون مطبوعات برای این مقصود کافی است *

حائری زاده - خیلی بهتر از این دو ماده است *

مخبر - حالا وارد میشویم در قانون مطبوعات در قانون مطبوعات میگویند هر روزنامه نویس باید مسلك خود را با چیز هائی که برای او پیش بینی شده است بوزارت معارف صورت بدهد و يك شرایطی را هم

ملزم شود *

اما حالا اگر يك روزنامه نویس آمد و مسلك خودش را معرفی کرد باین که روزنامه من يك روزنامه اخلاقی است و يك روزنامه ادبی است جناب عالی میفرمائید این روزنامه اگر بخواهد يك مقاله در امور دیانت بنویسد حق ندارد؟

حائری زاده - خیر حق ندارد

مخبر - ولی در اینجا همچو چیزی نیست و نباید او را منع کرد روزنامه نویس اگر چه يك مسلكی برای خود معین میکند ولی هیچ چیز او را منع نمی کند که در يك موردی بواسطه يك خصوصیتی که مقتضای کند يك مقاله هم در زمینه که خارج از آن مسلكی است که خود را معرفی کرده است بنویسد *

حائری زاده - این قانون او را منع می کند و قبلاً بایستی بوزارت معارف خبر بدهد *

مخبر - جناب عالی میفرمائید اگر برخلاف مسلك خودش چیزی نوشت فوراً باید تعقیب شود؟

این برخلاف اصلی از قانون مطبوعات است اگر يك روزنامه نویس مسلك خودش را معرفی کرد که روزنامه من يك روزنامه ادبی است اگر در مساین سیاسی مقاله نوشت باید او را توقیف کرد قانون مطبوعات هم چنین چیزی را اجازه نمیدهد که اگر يك روزنامه نویس مسلك خود را معرفی کرد و گفت مسلك من مسلك سیاسی است اگر هر آینه بخواهد يك مقاله راجع بدیانت بنویسد باید او را توقیف کنند و خیر همچو چیزی نیست *

این بود مطالبی که بنده از فرمایشات آقای حائری زاده فهمیدم بلی در قانون مطبوعات فقط می نویسد اگر هر آینه يك لایحه یا يك موادی برخلاف دیانت نوشت مأمور و آزان بایستی او را توقیف می کنند این قسمت هم با ناقص است برای اینکه مأمور نظمی چه طور می تواند تشخیص بدهد که این ماده مضر بدین معنی است اما در این راپورت پیش بینی می کند و می گوید باید این جریده را که منتشر شده است مأمور نظمی یا مأمور معارف یا مدعی العموم پیش ناظر شریعت ببرد ناظر شریعت هم فیه از آن يك نفر مجتهدی است که در شورای عالی معارف است بلکه يك ناظر شریعت مخصوص است که برای نظارت در کتب و روزنامهجات و غیره معین شده است و وظائف مخصوص هم دارد و اگر ناظر شریعت تصدیق کرد که مطالب این روزنامه بر خلاف دیانت اسلامی است آن مأمور فوراً آنرا مستند قرار می دهد و او را منتشره را جمع آوری می کند پس از این که جمع کرد او را بمحکم می برد و مطابق آن شرحی که ناظر شریعت تصدیق کرده

است باید مطابق قانون مطبوعات مدیر مسئول او را مجازات کنند *

اما آقای حائری زاده ماده اول و دوم را بهم مخلوط کردند در صورتیکه مذاکره در موضوع ماده اول بود چون ایشان مخلوط کردند بنده هم برای اینکه خواستم دفاع کرده باشم از فرمایشات ایشان مخلوط کردم

ماده اول می گوید مطابق مفاد اصل بیستم قانون اساسی همه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام آزاد و میزنی فقط در مورد کتب ضلال و مواد مضره بدین اسلام ممنوع نیست مثلاً يك روزنامه نویس آزاد است که هر چه می خواهد بنویسد اما وقتی که وارد شد در مرحله دیانت اگر بخواهد يك مقاله بنویسد در این وقت دیگر آزاد نیست و چون خودش شاید نتواند تشخیص بدهد که این مقاله مضر است یا نه باید مراجعه نماید بناظر شریعت وقتی ناظر شریعت تصدیق کرد که این مقاله مضر بدیانت نیست آن را درج می کند و يك چیزی هم نیست که فوت بشود اما راجع بقسمت های دیگر که فرمودند بر ضد دیانت نوشته شده باشد چون قانون اساسی اجازه داده است که مواد مضره باید تفتیش و سانسور شود یعنی قبل از طبع و نشر باهل خیره رجوع کنند به بینند مضر است یا نه اگر مدیر يك روزنامه یا مجله بخواهد يك فوق العاده راجع به امور دینی منتشر نماید باید قبلاً بناظر شریعت رجوع کند *

حالا اگر رجوع نکرد مأمور بالای سرش نیست که او را مجبور نماید یا اینکه توی سرش بزند که آقای روزنامه نویس برای مراجعه نکردن بناظر شریعت باید مجازات بشوی این ها که نیست ولی همین قدر می گویند چون این مسئله راجع به امور دینی است تکلیف تو این است که بناظر شریعت مراجعه کنی اگر مراجعه نکرد منتشر شد باز نسبت باین تقصیر هم ما می گوئیم مجازات نشود بعد از انتشار آن مدعی العموم یا مدعی خصوصی این لایحه را می کرد و بناظر شریعت مراجعه می کند و اگر ناظر شریعت تصدیق کرد که مضر بدیانت است آنوقت آن تصدیق از برای مدعی العموم مستند است که آنرا توقیف نموده و معاکه کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - آقای گروس (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروس - بنده هم موافقم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً بنده کاملاً مخالفم با

اینکه در جراید یا مجلات یا اوراق مطبوعه يك كلمه برخلاف مذهب اسلام چیزی نوشته شود و اینکه بعضی از جراید از حدود خود تخطی کرده اند و راجع به دیانت و مذهب يك چیز هائی نوشته اند آنها حق نداشته اند این کارها را بکنند و کار بسیار بدی کرده اند مقصود بنده از مخالفت با ماده اول تعیین راه حل جامعی است که هم آزادی مطبوعات محفوظ بماند و هم اساس دین مقدس اسلام محترم باشد و نتوانند از حدود خودشان تخطی بکنند و برخلاف مذهب اسلام چیزی بنویسد و اگر نوشته شد حتماً باید مجازات شوند این ماده اول بعقیده بنده در اینجا زائد است زیرا هیچ لزومی ندارد که ما وقت خودمان را صرف کنیم و يك ماده زائدی را تصویب کنیم *

اولاً آقایان را متذکر می کنیم به قسمت اخیر مقدمه قانون مطبوعات که می گوید هر کسی بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده یا اعلاناتی بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین در وزارت معارف بالتزام شرعی ملتزم و متعهد شود. بنابراین باید ملتزم بالتزام شرعی بشود و آنچه در قانون مطبوعات ذکر شده است چه بعنوان اینکه آزاد است و چه بعنوان اینکه مقید است تخلف نکنند یعنی آنچه را که ممنوع است نباید مرتکب شود و سایر شرایط و وظائف را انجام دهد از جمله چیز هائی که در قانون مطبوعات ممنوع است و در قانون اساسی هم ممنوع است لوابی است که برض اساس دین مقدس اسلام و مضر بدین معنی است بعد از اینکه ملتزم بالتزام شرعی که مطابق این ماده عمل کند دیگر چه لزومی دارد که ما مجدداً هم او را مجبور کنیم باینکه در خارج ملتزم شود در ماده دوم قید شده است هر گاه تخلف کرد و يك مطالبی برخلاف اساس اسلام نوشت و بناظر شریعت معق شد که مضر بدیانت است باید آن اوراق را توقیف کند و مطابق قانون مطبوعات عمل کند *

بعقیده بنده این التزام چه اثری دارد چه التزام بدهد و چه التزام ندهد مطابق قانون مطبوعات وقتی که برخلاف دیانت اسلام يك چیز هائی را طبع و توزیع کرده و ناظر شریعت هم مضربودن او را تصدیق کرد باید مجازات شود *

پس التزام لزومی ندارد دیگر این که بگوئیم در دوجا باید ملتزم شود یکی در موقعی که اجازه روزنامه می گیرد مطابق قانون مطبوعات باید ملتزم شود دیگر اینکه حالا هم علاوه کنیم که از این تاریخ ببعد می باید چیزی که برخلاف دیانت اسلام باشد درج ننماید و این عملی نیست دیگر اینکه در اینجا عبارت طوری ادا شده است که

ممکن است خیلی توسعه پیدا کند برای اینکه نوشته شده است در امور مرطه بدین اسلام در این صورت ممکن است خیلی چیزها را مربوط بدین اسلام نمود و ممکن است در يك مواقعی خدای تعالی است که سوء استفاده هائی در این قسمت بشود اگر صریحتر و واضح تر نوشته شود بهتر است علی ای حال چون بنده اصولاً مقید نیستم که در این مواد شور کنیم در اصلاح عبارتی آن وارد نمی شوم و بعقیده ام این نیست که بمجلس بیاید وقت ما را تلف کند دولت اگر همین قانون مطبوعات را بموقع اجرا میگذارد ما چهار این حوادث نمی شدم و بنده با امر احواله عرض میکنم چون خود بنده هم امتیاز روزنامه گرفته ام میدانم فقط اجازه نامه که داده میشود و التزامی که گرفته میشود در مقابل دوازده قران پول تبر می باشد ولی اگر همین قانون بموقع اجرا گذاشته می شد و بموجب همین ماده که می نویسد پلیس و مأمور نظمی وقتی که ملاحظه کردند و دیدند يك روزنامه یکی از مواد ممنوعه را اشاعه داده است فوراً توقیف بکنند توقیف میکردند دچار این مشکلات نمیشدم

بنابراین بنده این ماده را زائد میدانم برای اینکه قانون مطبوعات کافی است و اگر باین ماده رأی بدهیم در مقابل آن قسمت از قانون مطبوعات ما این ماده را بطور زائدی رأی داده ایم و در همین اینکه بنده موافقم که هیچ وجه من الوجوه جراید نیابستی دخالت در امور دیانت اسلام بنمایند *

مگر در دنیا واقعاً حرف کم است که باید يك چیز هائی بنویسند که برای جامعه و توده ملت و يك اشخاصی که عقیده مند بدیانت هستند مضر باشد؟ این اشخاص اشتباه کرده اند دین مقدس اسلام که مامتقد هستیم ناسخ تمام ادیان است و تا يوم القیامه باقی است *

حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه * چه دای دارند که اینها داخل در این قبیل مسائل بشوند بنده کاملاً موافقم اما این ماده را همانطور که مرض کردم يك چیز زائدی می دانم و در ماده دوم هم بنده کاملاً موافقم و قبلاً هم عرض میکنم که مذاکرات کافی است

رئیس - آقای محمد هاشم مهزنا (اجازه)

محمد هاشم مهزنا - بنده از آقای مخبر سؤالی دارم در آنجا که نوشته است مطابق قانون مطبوعات مجری شود اگر کسانی سابقاً التزام نداده باشند و شب نامها و یا چیزهای چاپ کرده دیگری بنویسند چون التزام نداده اند آیا قانون مطبوعات درباره آنها پیش بینی شده است یا نه؟

مخبر - نسبت بمطبوعات قانون مطبوعات تکلیف را معلوم کرده لیکن این قانون که

نوشته می شود تأمین می کند مطبوعات را بازم هر که می کند که عنوان عنوان مطبع است اما ممکن است يك نفر بعنوان روزنامه نویس بیاید و يك ورقه منتشر کند یا اینکه يك مطبعه دستی و یا زلاتینی داشته باشند که او را چاپ نماید و يك چیز- هائی بنویسد بخدمت ناظر شرعیات تصدیق کند که این مواد مضر بربانیات است او هم باید مطابق قانون مطبوعات مجازات بشود آن دیگر التزام ندارد.

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - مسئله را کم از حقایق خودش بیرون بردند مسئله کیفیت اجرای قانون اساسی است می گویند که این مواد نوشته شده است. آقا دوازده سال است نوشته شده چرا اجراء نشده

تدین - حالا هم اجراء نمیشود مدرس - حالا يك چیز عملی را بیک هیات واضعی در آورده اند البته میز باید اهل خبره باشد.

اهل خره اینکار هم ناظر شرعیات یا معتمد عادل جامع شرایط است

يك چیز تازه که محتاج باین همه مذاکرات باشد نیست؛ ماده اول همین مفاد مواد قانون اساسی است ولی چیزی که هست در این دوازده سال اجراء نشده یا از بلب اینکه ملتفت بودند و مسامحه میکردند و یا از باب اینکه ملتفت نبودند در هر حال معنای میزبانی این است که يك مطلبی را اهل خبره تشخیص بدهند و اهل خبره هم اشخاص مخصوص هستند بنده در ماده اول که حقیقتاً مطرح مذاکره است این فرمایشات را خارج از موضوع می دانم. ماده اول مفاد قانون اساسی است پس اگر رأی داده شود برای خصوصیت میز است اگر حالا مجلس شورای ملی تصدیق کند فردا اگر دولت بخواهد آنرا اجراء بکند دیگر هیچ معطلی ندارد مقصود این است که این يك خصوصیتی است که در ماده اول اضافه شده است لذا بنده مانعی نمی دانم که مجلس شورای ملی این ماده را با این خصوصیت تصویب کند که نزدیکتر بعمل باشد

معاون وزارت عدلیه - بنده يك اصلاح عبارتی دارم در آنجائی که نوشته است مطابق اصل بیستم قانون اساسی بایستی مطابق اصل بیستم متمم قانون اساسی نوشته شود

رئیس - رأی می گیریم بماده اول آقایانی که ماده اول را تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۲) هر گاه یکی از مدیران

جرائد و یا مجلات و یا ارباب مطابع و یا دیگری از مفاد ماده متخلف نمود مدعی العموم و یا مدعی خصوصی قضیه را بناظر شرعیات قانونی و یا معتمد عادل مسلم رجوع می نماید بعد از تصدیق کتبی مشارالیه بمضر بودن بغوریت او را منتشره جمع آوری و توقیف شده مدیر و نویسنده و طبع کننده مستنداً به تشخیص ناظر شرعیات و با معتمد عادل مسلم مطابق قانون مطبوعات مجازات خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه) آقا سید فاضل - بنده موافقم رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - در این ماده هم باید چند کلمه توضیح بدهم که کمتر مذاکره بشود و آن این است که در قانون مطبوعات دارد اگر يك روزنامه نویس يك مقاله نوشت که بر خلاف اساس دیانت بود و پلیس یا مأمورین وزارت معارف او را ضبط کردند باز باید این مطلب را بیک کسی رجوع کنند که اهل خبره باشد فقط لفظی که در این ماده زیاد است این است که علاوه بر ناظر شرعیات که در ماده اول نوشته بودند معتمد عادل هم نوشته شده است این مسئله برای این است که ناظر شرعیات امروز در طهران هست ولی در سایر ولایات و ایالات نیست و تا بیابند این تشکلات را ترتیب بدهند ممکن است مدتی طول بکشد یا مانع دیگری پیش بیاید این است که چون ناظر شرعیات فقط در مرکز است خوب است که در این ماده نوشته شود یا معتمد عادل البته تصدیق او هم معتبر است اما در مسئله مجازات هم شاهزاده محمد هاشم میرزا يك صحبتی فرمودند مجازات دو جنبه دارد یکی از حیث تخلف قانون و آن این است که از قراردادی که با وزارت معارف بسته است تخلف کند و برخلاف آن قرارداد يك چیزی را اشاعه بدهد فقط در این ماده اشاره شده است اگر تخلف از قانون کرد محکمه باید چه بکند دیگر این که چیزی انتشار بدهد که مضر بدیانت باشد این يك قسمتی علیه است و مجازاتی دارد و در آن قسمت این ماده ساکت است و بنده تصور میکنم در این ماده هیچ چیز اضافه از مواد مسلمه نوشته نشده باشد و تمام خصوصیات که رفع احتیاج را بکند در این ماده توضیح داده شده است.

رئیس - آقای رکن الملک (اجازه)

رکن الملک - بنده اساساً موافقم ولی يك اشکالی دارم و آن این است که بعد از مدعی العموم نوشته شده است یا مدعی خصوصی علت مداخله دادن مدعی خصوصی

در این قضیه چه بوده است از معبر کسب و توضیح می خواهم که علت مداخله دادن مدعی خصوصی در این قضیه چیست و چه دلایلی دارد که مدعیان خصوصی را برای آنها معین کنیم بخدمت نوشته است محکمه معتمد عادل مسلم حالا فرض بفرمائید يك مدعی خصوصی يك ورقه را میبرد پیش مخالف با شرع است این را کجا بفرستند و بتوسط کی اقدام بکنند این است که بنده تصور میکنم که اگر مدعی العموم تنها باشد و قضیه را بهمان ناظر شرعیات که در ماده اول نوشته اند رجوع کند بهتر است و بنده تصور می کنم که مدعی العموم کافی است و ممکن است مدعی خصوصی اسباب زحمت باشد دیگر این که در این ماده نوشته شده است مطابق قانون مطبوعات معتمد مدعی بنده این است که باید معلوم شود که به محکمه عمومی مراجعه می شود یا به محکمه خصوصی.

معبر - لفظ مدعی خصوصی را نمی شود از این ماده برداشت برای این که ممکن است مدعی العموم بوظیفه خودش عمل نکند و هر مسلمانی مکلف است در امور دینیه بعنوان امر معروف و نهی از منکر اقدامات بکند ولی در موقع معامله حتماً مدعی العموم در آنجا حاضر خواهد بود و طرف دومی در محکمه مدعی العموم است ولی در يك مورد طرف دومی مدعی العموم نیست و آن این است که يك نفر شب نامه و یا روزنامه را خصوصی طبع و منتشر نماید که مضر بدیانت هم باشد در این مورد باید مدعی خصوصی او را پیش ناظر شرعیات ببرد و ناظر شرعیات هم تصدیق کند و البته مدعی العموم هم می بیند و منتشر کننده را معامله و مجازات می نماید پس مدعی خصوصی را نمی شود برداشت اما اینکه می فرمایند ناظر شرعیات کافی است و معتمد لازم نیست این را آقای مدرس توضیح دادند امروزه می دانید که در تمام ایالات و ولایات ناظر شرعیات هنوز از طرف وزارت معارف معین نشده است فقط ناظر شرعیات در مرکز است در ولایات آن هم به يك کیفیتی که باید به تصدیق دوفرم معتمد باشد شاید ممکن نباشد بنا بر این تا موقعی که ناظر شرعیات در ولایات معین نشده تصدیق این مطالب را کی باید بکنند بایک نفر اهل خبره مثلاً در اصفهان امروزه ناظر شرعیات نیست و يك لایحه هم فرضا برخلاف دیانت منتشر شد و مدعی العموم هم خواست او را معامله و تعقیب کند تصدیق مضر بودن آن را از کی باید بگیرد؟ پس در مواقعی که ناظر شرعیات نباشد باید تصدیق آن را معتمد جامع شرایط بنماید و می دانید که هر ملائی یا هر معممی یا هر آقای سر معتمد معتمد جامع شرایط نیست و معتمد جامع

الشرایط يك خصایص و يك شرائطی دارد وقتی که او تصدیق کرد این لایحه مضر به دیانت است آن تصدیق را بمقامات رسمی سوق میدهند آنوقت آن مقامات از قبیل عدلیه و نظایه ناشر را تعقیب و رسیدگی می کنند.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) حاج معبر السلطنه - يك نکته را باید متذکر شد که آقایان متوجه نیستند

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی می دانند؟ حاج معبر السلطنه - من قبل از کافی بودن مذاکرات اجازه خواسته بودم پس کی مطالب را باید گفت.

رئیس - عذر زیادی قبل از جناب عالی اجازه خواسته اند. حاج معبر السلطنه - همینقدر می خواستم عرض کنم که برای طبع کنندگان تعصیر نیست و فقط نویسنده مسئول است مگر این که بگوید يك مطلبی را طبع کننده خودش اضافه کرده است و مدیر مسئول اظهار بی اطلاعی کند در این صورت ممکن است که او هم مقصر باشد ولی در صورتی که چیزی اضافه نکرده باشد برای چه مجازات بشود

معبر - در صورتی که نویسنده معلوم باشد قانون سایرین را معاف کرده و متمرکز آنها نمی شود ولی در صورتی که نویسنده معلوم نباشد متمرکز طبع کننده می شوند والا طبع کننده با حرف و چین را که ابتدائی داند مطلبی را که چاپ می کند متعلق بامور دینیه است یا نه برای چه تعقیب می کنند تمام این قانون برای این است که مطالب مضر بدیانت طبع نشود

رئیس - رأی می گیریم بماده دوم آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد مذاکرات در کلیات است. آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - در ماده دوم نوبت بمن نرسید که مطالب خود را عرض کنم ولی حالا عرض می کنم اگر آقایان قانون مطبوعات را مطالعه فرموده بودند ندیدند ماده ۴۹ آن قانون خیلی بهتر از این ماده دومی است که در اینجا نوشته شده در ماده ۴۹ قانون مطبوعات می نویسد هر روزنامه و مجله یا اهلانی که برخلاف دیانت و مذاهب اسلام چیزی نوشته و درج کرد مأمورین وزارت معارف حق دارند که آن روزنامه را جمع آوری نموده توقیف کنند و بعد معامله کنند و این مسئله هم بدیهی است که امر معروف و نهی از منکر وظیفه تمام مسلمین است و هر مسلمانی که دید برخلاف

دیانت اسلام چیزی نوشته اند وزارت معارف مراجعه می کند پس چیزی را سکه در ماده چهل و نه قانون مطبوعات نوشته است خیلی بهتر است از ماده دوم این قانون برای این که خود این مسئله ممکن است يك ماه طول بکشد و آن چه باید نشر شود نشر شده و سواثر خود را بخشیده است اما راجع بفرمایشانی که آقای معبر فرمودند اگر روزنامه مسلك خودش را معرفی نکرد یا این که مسلك خود را معرفی کرد و بعد برخلاف مسلك خودش برضد دیانت چیزی نوشت برای این هم در قانون مطبوعات يك تکلیفی معین کرده است و می گوید مدیر روزنامه که بی جهت در امور دیانتی دخالت کند باید کاملاً عالم بدیانت اسلام باشد و با اجازه وزارت معارف و تصدیق شورای عالی معارف اجازه طبع چنین روزنامه داده شود و الا وزارت معارف حق ندارد و بیک آدم بی اطلاع امتیاز بدهد که در مسائل دیانتی چیزی بنویسد و این فرمایش را که آقای معبر فرمودند معلوم میشود که قانون مطبوعات را کاملاً مطالعه نفرموده اند و اگر اعتراض هم نسبت بقانون مطبوعات هست درست است و خود من هم با بعضی مواد آن موافق نیستم و عقیده دارم که باید تجدید نظر شود ولی تا این که تجدید نظر نشده من مخالف هستم که يك ماده علاوه بر آن بگذرانیم.

معبر - بنده عرض می کنم همان قانون مطبوعات ما را مجبور کرده است که این دوماده را امشب تصویب کنیم ماده چهل و نه می نویسد مأمورین وزارت معارف که برای روزنامه معین میشوند و پلیس حق دارند روزنامه و جراید دیگر را بجز این که لایحه در خصوص دیانت نوشته شده است توقیف کنند اما خودتان تصدیق می کنید که يك نفر پلیس یا يك ضابط که خبری ندارد مواد منتشره مضر بدیانت است حق ندارد آن روزنامه را توقیف و جمع آوری کند در آن ماده يك چنین معمولی نوشته شده و پلیس و ضابطین را حق داده است که ببل و ازاده خودشان بروند و روزنامه را جمع آوری و توقیف کنند ما می خواهیم این طور نباشد قصاص قبل از جنایت قلم است پلیس نمیتواند تصدیق کند که این مواد مضر بدیانت است آن پلیس یا ضابط یا مدعی العموم یا هر مسلمانی دیگری روزنامه که منتشر شده است می برد پیش اهل خبره و باید اهل خبره تصدیق مضر بودن آنرا بکنند و اینها يك چیز هائی است که خارج از عهد آنها است پس از آنکه اهل خبره تصدیق کردند که این مواد مغالبت با قانون شرع است آنوقت باید آن تصدیق را مستند قرارداد و آن روزنامه راجع آوری و توقیف کند والا بجز آنکه يك پلیس يك روزنامه را

دست بگیرد و بگوید من این را مضر بدین مبین میدانم نمیتوان تصدیق کرد که اوجق دارد آنهارا جمع آوری کند رئیس - رأی میگیریم بمجموع دو ماده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهادت راجع بماده بیست و سوم قانون استخدام قرائت می شود (پیشنهاد آقایان معتمدالتجار فیوضات و بعضی آقایان دیگر) بمضمون ذیل قرائت شد

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی امضاء کنندگان ذیل محض مراعات امتیاز فعلی پیشنهادی نمائیم که تبصره ذیل بماده ۲۳ علاوه شود تبصره اشخاصی که از مدارس عالی داخله و یا خارجه تصدیق نامه داشته باشند در درجات اول و دوم مذکور در ماده ۱۰ ششماه و در درجات سیم و چهارم يك سال و از درجه پنجم ببالا مطابق به همین قانون باید دوره قانونی خدمت را طی نمایند و این ترتیب تا ده سال خواهد بود معتمدالتجار - فیوضات - امینالتجار - ناظم العلماء - علی محمد الحسینی - مستشار السلطنه - رئیسالتجار - سید محمد تدین - اقبال السلطان

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای اقبال السلطان رسیده است قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می کنم ماده ۲۳ بنظر نوشته شود ارتقاء رتبه یا پیشنهاد هیئت مشاوره اداری و تصویب وزیر خواهد بود (اقبال السلطان)

رئیس - مغالطی نیست (گفته شد خیر) بقیه مذاکرات می ماند برای روز شبه آقا سید فاضل - اجازه میفرمائید رئیس - بفرمائید آقا سید فاضل - بنده پیشنهاد می کنم که برای کسب و فواید عامه بکنفر زیادتر از عده که اعلام فرموده اید انتخاب شود یعنی ده نفر انتخاب شود رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده میخواستم این مسئله را از آقای رئیس یا از مجلس سؤال کنم این دوماده که تصویب شد آفات تکلیف آن مواد قانون مطبوعات که مغالط این دو ماده است چه خواهد بود هر دوی این قانونها بوقوع اجرا گذاشته می شود یا یکی از آنها مثلاً قانون مطبوعات ماده ۴۹ قانون مطبوعات تصریح دارد که او را قی که برخلاف دیانت اسلام باشد باید مأمورین

وزارت معارف و پلیس آنها را جمع آوری و توقیف نمایند و در ظرف بیست چهار ساعت بآن اوراق رسیدگی و مراجعه کنند در اینجامی نویسنده آژان و مأمور وزارت معارف حق ندارد او را توقیف کنند و باید مدعی العموم یا مدعی خصوصی بناظر شرعیات اطلاع بدهد و پس از تصدیق ناظر شرعیات بمضر بودن آن آنها را جمع آوری و نویسنده را توقیف کند

رئیس - این سؤال مربوط بمجلس است چیزی نیست که مربوط بمن باشد سؤالی دارید از مجلس بکنید اول عده امضاء کسب و فواید عامه هشت نفر بود آقای ناظم دفتر پیشنهاد کردند که بکنفر اضافه و نه نفر بشود حالا مجدداً آقای آقا سید فاضل پیشنهاد کردند که بکنفر دیگر اضافه بشود و نه نفر باشد آقایانی که تصویب می کنند يك نفر دیگر اضافه شود قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد مدرس - اجازه می فرمائید جواب آقای حائری زاده را عرض کنم رئیس - جواب ایشان را مجلس باید بدهد مدرس - قانون مطبوعات می گوید که مأمورین وزارت معارف و پلیس آن روزنامه یا مجله را یا اوراق طبع شده را توقیف کنند این مطلب نسبت باینکه قبل از میزبانی یا بعد از میزبانی است لا بیان است و لایحان هم معارضی با بیان نیست (جلسه چهار ساعت از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه صد و شصت و دو صورت مشروح مجلس یوم شنبه دوازدهم عقرب ۱۳۰۱ مطابق چهاردهم ربیع الاول ۱۳۰۱

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهار شنبه نهم عقرب را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب - آقای سلطان العلماء را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان ۵ روز است مریض بستری هستند.

رئیس - باید اجازه بخواهند و بفرستیم بکسب و فواید آقا تدین (اجازه) تدین - در ماده ۱۷ قانون استخدام نسبت بمغالط بنده اینطور اظهار شده که بنده بایک ششم مقرری مغالط بودم در

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم چهار شنبه نهم عقرب را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند رئیس - باید اجازه بخواهند و بفرستیم بکسب و فواید آقا تدین (اجازه) تدین - در ماده ۱۷ قانون استخدام نسبت بمغالط بنده اینطور اظهار شده که بنده بایک ششم مقرری مغالط بودم در